

تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی: شهروندان تنکابن)

احمد بخارایی، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، ایران
محمد حسن شربتیان، مربی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، ایران*
لیلا کبیری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، ایران

چکیده

شهروندی فرهنگی، پذیرش حضور شهروندان با تفاوت‌های فرهنگی در یک مجموعه شهری را شامل می‌شود. آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی نسبت به یکدیگر، رعایت روابط مسالمت‌آمیز بین شهروندان و دوری از هرگونه قوم‌مداری مهمترین اصول شهروندی فرهنگی است. از آنجا که مسئولان و مدیریت شهری وظیفه آموزش و تربیت شهروندان را برعهده دارند مطالعه پدیده شهروندی فرهنگی از ضرورت بالایی برخوردار است. این نوشتار با هدف تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی در شهر تنکابن و مطالعه عوامل تاثیرگذاری همچون سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بر شهروندی فرهنگی صورت گرفته است. چارچوب نظری این مطالعه رهیافت ترکیبی در حوزه فرهنگ شهروندی، شهروندی فرهنگی و سرمایه فرهنگی ژانوسکی، یانگ، کیملیکا، مارشال، ترنر و بوردیو است. این تحقیق، از روش پیمایش کاربردی بهره برده است. جامعه آماری آن شامل افراد ۱۵ تا ۶۴ سال ساکن شهر تنکابن در سال ۱۳۹۳ است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران کمی، برابر با ۶۵۰ نفر و شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده و اطلاعات مورد نیاز از شهروندان با استفاده از تکنیک پرسشنامه مصاحبه‌ای جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد شهروندان از سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بالایی برخوردارند ولی در فرهنگ شهروندی تمایل شهروندان برای انجام تعهدات آن بیشتر از میزان آگاهی از حقوقی است که دارند. طبق نتایج فرضیه‌های موجود، افزایش در سرمایه فرهنگی شهروندان بر میزان فرهنگ شهروندی افراد تاثیرگذار بوده و فرهنگ شهروندی که شامل آگاهی از حقوق و تمایل برای انجام تعهدات شهروندی است بر متغیر وابسته شهروندی فرهنگی تاثیر مستقیم (۰/۴۷) و سرمایه فرهنگی فقط تاثیر غیر مستقیم (۰/۴) بر شهروندی فرهنگی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: تنکابن، سرمایه فرهنگی، شهروندی فرهنگی، فرهنگ شهروندی.

مقدمه و بیان مسأله

شهروندی در زمره مفاهیمی است که از دل تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی برخاسته است. این واژه در کشورها و دوره‌های تاریخی مختلف معانی متفاوتی داشته است (استیونسون، ۱۳۹۲: ۱۱). همواره در زمان‌های متفاوت مفهوم شهروندی از جمله مفاهیم مورد توجه بوده و یک سیر تحولی و تکاملی داشته است. از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، تحولاتی در سطح جهانی شکل گرفت از جمله، شکست نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، ظهور نظریه‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه فرهنگ‌گرا، ظهور تکنولوژی‌های ارتباطی مانند تلویزیون، ماهواره، اینترنت و اهمیت یافتن رسانه‌ها، ظهور صنایع فرهنگی مانند صنعت توریسم و صنعت علم، ظهور شهروندی فرهنگی، فرهنگی شدن امر سیاسی که، این تحولات توجه به فرهنگ و مباحث فرهنگی را موجب شده است (باقریان، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۷).

پیشینه تاریخی توسعه و تکوین پدیده شهروندی را می‌توان به دو بخش بلند مدت (از دولت شهر آتن در یونان باستان تا امپراتوری روم باستان و قرون وسطی در غرب) و یک پیشینه تاریخی کوتاه مدت (از رنسانس تا عصر روشنگری در سده ۱۸ و دوران تاریخی معاصر در سده ۲۰) است، تقسیم کرد که نقاط عطف آن آتن سده چهارم، دوره رنسانس و انقلاب فرانسه است. با ظهور دموکراسی در دولت-شهرهای یونان، شهروندی به معنای برخورداری از حقوق و وظایف و مشارکت فعال مطرح شد. از نظر ارسطو یک فرد زمانی شهروند قلمداد می‌شد که می‌توانست به طور چرخشی و نوبتی در حکمراندن و اطاعت کردن سهیم باشد. در دولت-شهرهای دموکراتیک یونان، فقط مردان آزاد متولد همان جا شهروند محسوب می‌شدند و زنان، بردگان، کودکان و خارجیان ساکن آنجا شهروند به حساب نمی‌آمدند. بنابراین، مفهوم شهروندی در یونان قدیم، نموداری از دموکراسی است که در معیارهای فعلی عنوان «دیکتاتوری اقلیت‌ها» به خود می‌گیرد (شیانی و داوودوند، ۱۳۹۰: ۳۹).

با گسترش امپراتوری روم و رشد آن از واحدهای کوچک دموکراسی مستقیم به جامعه وسیع‌تر، شهروندی معنای جدیدی یافت. حق شهروندی به بیگانگان شکست خورده و اقشار پایین‌تر به عنوان سربازان ذخیره و گروه‌های آماده دفاع از مرزهای امپراتوری اعطاء شد. در قرون وسطی، شهروندی دستخوش فراموشی طولانی مدتی گردید و کلیسا همچون محوری برای هدایت اخلاقی و وفاداری، جایگزین اجتماع سیاسی شد. فقط در چند شهر ایتالیا چون فلورانس و ونیز مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور عمومی رواج داشت.

در قرون شانزدهم و هفدهم بنیان‌های شهروندی مدرن پدیداری شد. نظریات فلاسفه سیاسی چون هابز، لاک، رسو در شکل‌گیری اندیشه‌های لیبرال و انقلاب فرانسه بسیار مؤثر افتاد. این اندیشمندان سیاسی مفاهیم آزادی، برابری و حاکمیت قانون را با شهروندی پیوند دادند. در مرحله بعد پدیده جهانی شدن، تحولات ساختاری مهمی را بر شهروندی ملی سبب شد. این تحولات مرزهایی را که دولت بر آنها متکی بود نامشخص ساخت و شهروندی را به مفهوم جهانی و فراملیتی تبدیل کرد. به بیان دیگر، در این دوره بر حقوق انسان‌ها و تکالیف جهانی تأکید می‌شود. بنابراین شهروندی مدرن اگر چه از پدیده‌های عصر جدید و نتیجه انقلاب‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک به شمار می‌رود، اما عناصر اولیه مربوط به دولت-شهرهای یونان باستان، امپراتوری روم و نیز دولت‌شهرهای قرون وسطی را دارا است. امروزه شهروندی به فراتر از مرزهای ملی گسترش یافته و به صورت حقوق انسانی و مسئولیت جهانی مطرح شده است. لذا شهروندی اگر چه مفهومی حقوقی است و معطوف به حقوق و وظایف شهروندان است، اما دارای ابعاد فرهنگی فراسوی رابطه‌های حقوقی است. (شیانی و داوودوند، ۱۳۹۰: ۳۹).

در اواخر قرن بیستم پدیده جهانی شدن، وضعیت شهروندی ملی را به چالش کشیده است. با وجودی که قدمت شهروندی جهانی به اندیشه‌های سقراط و کانت باز می‌گردد، اما این ایده بار دیگر با تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

همین دلیل با انتقاد روبرو شد؛ بنابراین الگوهای تحلیلی اجتماعی فرهنگی تا اندازه زیادی جایگزین مدل های جهان شمول پیشین شدند. (استیونسون، ۱۳۹۲: ۸).

امروزه « با توجه به تحولات چند دهه اخیر در زمینه تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی توجه به مفهوم شهروندی از بعد فرهنگی امری الزامی است و صحبت از حقوق فرهنگی شهروندان به میان می‌آید» (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۳). در حقیقت شهروندی موقعیتی است که حقوق و تکالیف افراد جامعه را مشخص می‌کند و آگاهی از آن برای شهروندان و اداره‌کنندگان جامعه دارای اهمیت است. بررسی تحقیقات موجود نشان می‌دهد برای تحلیل این پدیده اجتماعی باید به ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی - اقتصادی توجه نمود ولی امروزه با توجه به مسئله جهانی شدن و وجود رسانه‌های جمعی گسترده و فن‌آوری‌های جدید صحبت از حقوق فرهنگی نیز به میان آمده و این حقوق فرهنگی در جوامعی که دارای تنوع فرهنگی، قومی، زبانی، دینی و... هستند دارای اهمیت بیشتری است. پژوهشگران برای بررسی حقوق فرهنگی مردم یک جامعه، از مفهوم شهروندی فرهنگی استفاده می‌کنند (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۳).

بر این اساس با توجه به تفاوت‌های قومی، نژادی و گروهی در سرتاسر جهان، شاهد آن هستیم که هر ملتی سنت‌های فرهنگی، قومی و زبانی خود را با در نظر گرفتن مسئله جهانی شدن مورد توجه و حفظ قرار می‌دهد. چنین پاسداشتی در راستای تقویت هویت فرهنگی و شهروندی فرهنگی^۱ باعث طرح مطالعات اجتماعی و فرهنگی در چند دهه اخیر از جمله ایران در زمینه ابعاد مختلف شهروندی شده است. جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم در برگیرنده مجموعه وسیعی از نژادها، اقوام، و فرهنگ‌های گوناگون است، افراد متعلق به هر فرهنگی دارای هویت‌های متفاوتی هستند و هر شهر و شهروندی باید بتواند هویت یا هویت‌های

و سیاسی دهه‌های اخیر احیاء گردید. به تعبیر برایان.اس. ترنر (1990)، تحولات عمده در ساختار جهان معاصر، دو فرایند متضاد را در خود جای داده است؛ از یکسو شکاف‌های شدید به سمت خود مختاری منطقه‌ای و محلی‌گرایی، از سوی دیگر مفهوم قدرتمند جهانی‌گرایی و مسئولیت‌های سیاسی جهانی که همچنان شهروندی را در معرض تغییر و تحول قرار داده است (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۴). افزایش تلاقی فرهنگ و شهروندی یکی از تحولات قابل توجه در گفتمان سیاسی اخیر نیز بوده است. شهروندی در طول تاریخ متشکل از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی بوده است. (Delanty, 2002). در طول تاریخ در مباحث مطرح شده در زمینه شهروندی همواره از حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی صحبت می‌شده و به دنبال مشخص کردن محدوده این حقوق بوده‌اند «ولی امروزه نظریه‌پردازان به این نتیجه رسیده‌اند که شهروندان علاوه بر نیازهای اجتماعی، اقتصادی و مدنی نیازهایی در زمینه فرهنگی دارند که شهروندی مدنی، سیاسی و اجتماعی نمی‌توانند نیاز فرهنگی افراد را پوشش دهند. به همین دلیل مفاهیمی مانند حقوق فرهنگی و شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی مطرح شده است. تحولات چند دهه اخیر در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی است، از این رو فرهنگی شدن شهروندی امری اجتناب ناپذیر است». (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۳).

بنا به دلایل مختلف، از جمله افزایش میزان مهاجرت‌ها، در دهه‌های اخیر، مدیران شهرهای بزرگ، شاهد درهم آمیختگی فرهنگ‌های گوناگون بوده‌اند. این موضوع، اداره شهرها را با پیوندها و تعارضات نژادی، قومیتی، زبانی، سنت‌های متفاوت روبرو ساخته است. تا پیش از این، نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری، برای تبیین و ارائه راه حل تعارضات شهری، دسته بندی‌هایی را بر اساس طبقه‌های اجتماعی، مشاغل، سطوح تحصیلاتی، اقلیم شهری، مبنای تحلیل قرار می‌دادند تا بتوانند به قوانین اجتماعی جهان شمول و قابل تعمیم دست یابند. این روش از لحاظ کاربردی، پاسخگوی حل تمام مسائل نبود و به

¹ Cultural Citizenship

است که در بردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام است. فرهنگ شهروندی که بهتر است به آن فعالیت (فعال بودن) و تعهد شهروندی گفته شود، یک مفهوم نه تنها اشاره به یادگیری زندگی جمعی دارد، بلکه شامل کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است که گاه با نام شهروند دموکراتیک نیز شناخته شده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹-۷۴).

این پژوهش به مطالعه و تحلیل جامعه‌شناختی از مفهوم شهروندی فرهنگی در شهر تنکابن می‌پردازد. با توجه به اینکه، جامعه مورد مطالعه دارای تنوع فرهنگی و قومی است و از گروه‌های قومی همچون (گیلک‌ها، مازندرانی‌ها و برخی مهاجران) برخوردار است. و بزرگترین مشکل شهروندی و شهرنشینی در ایران و نیز شهر تنکابن، سرعت بسیار بالایی بوده است که در شکل‌گیری شهرها داشته است. از آنجا که در ایران، تجدد و مدرنیته عمدتاً در قالب شهر و شهرنشینی فهمیده می‌شود در طول بیش از نیم قرن تلاش‌ها به کار گرفته شد که بافت‌های عشایری و روستایی به سود بافت‌های شهری ویران شوند، تنکابن نیز شهری است که جمعیت روستایی آن با سرعتی پیش‌بینی نشده، به جمعیت شهری تبدیل شدند. این اتفاق پیچیدگی‌ها و موانع رشد فرهنگ شهروندی را چند برابر کرده است. زیرا از سویی روستاییانی که تا چندی پیش در روستا زندگی می‌کردند، امروز به دلیل تغییر زیستگاه‌شان خود را شهری می‌دانند و از سوی دیگر سازوکار زندگی شهری در مفهوم اخص کلمه به آنان آموزانده نشده است.

بنابراین هدف از طرح این تحقیق به طور مشخص، این است که چگونگی رابطه و میزان تاثیر متغیر سرمایه فرهنگی بر فرهنگ شهروندی و میزان تاثیر متغیر فرهنگ شهروندی بر متغیر وابسته شهروندی فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین توصیفی از وضعیت سرمایه فرهنگی، میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، تمایل به اجرای تعهدات‌شان، میزان گرایش‌های فرهنگی و میزان پذیرش تفاوت‌های فرهنگی

متعددی داشته باشد و برای هر یک از این هویت‌ها امکان آزادی بیان بیابد (البته تا جایی که هویت‌های دیگر و حقوق دیگران را به خطر نیاندازد) و جامعه باید به هرکدام از این اقوام، حق حفظ هویت فرهنگی را بدهد، زیرا شهروندی فرهنگی شامل سلیقه‌ها، حقوق و فرهنگ گروه‌های مختلف موجود در یک جامعه می‌شود (کریمی، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

جامعه ایران نیز از جمله جوامعی است که دارای تنوع قومی^۱ (کرد، لر، بلوچ، فارس، ترک، گیلک و...)، تنوع مذهبی (اسلام، یهود، زرتشت، مسیحی و...) و تنوع زبانی (فارسی، ترکی، کردی...) است. «این گروه‌های فرهنگی، قومی و زبانی متنوع با یکدیگر در فرهنگ، آداب و رسوم، زبان، دین و مذهب دارای تفاوت‌هایی هستند و برای آن‌که بتوانند به صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند باید از تعصب و قوم‌مداری دوری و به سمت نسبی‌گرایی فرهنگی^۲ حرکت کنند، لذا باید تفاوت‌ها و شباهت‌های یکدیگر را بشناسند و در جهت رشد روابط بین‌فرهنگی و بین‌قومی تلاش کنند. در نتیجه آگاهی شهروندان از وجود تفاوت‌های فرهنگی و پذیرش این تفاوت‌ها از سوی آنان برای حفظ یکپارچگی جامعه می‌تواند موثر باشد» (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۶).

در جامعه امروز انتظار می‌رود شهروندانی که در اکثریت هستند و شهروندانی که در گروه‌های اقلیت فرهنگی قرار دارند، ضمن آگاهی از حقوق‌شان به حقوق یکدیگر احترام گذارند، به تکالیفی که در جامعه دارند متعهد بوده و به مشارکت در جامعه تمایل داشته باشند و در هنگام توزیع امکانات و تصویب قوانین و اجرای آن و تمایل برای انجام تعهدات‌شان در جامعه حقی برابر برای همگان قائل شوند. بنابراین برای مطالعه حقوق فرهنگی شهروندان از مفهوم شهروندی فرهنگی استفاده می‌شود. شهروندی فرهنگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، قوانین مشترک بنیادی

^۱ Cultural Diversity

^۲ Cultural Relativism

این تفاوت‌ها در نوع ادراک و فهم‌شان از جامعه اطراف خود و نوع عملکردشان نسبت به یکدیگر تاثیرگذار است.

فرهنگ شهروندی

تعریف نظری: فرهنگ شهروندی تحت تاثیر دو مفهوم فرهنگ و شهروند قرار دارد. «فرهنگ پدیده‌ای اکتسابی، انتقال‌پذیر، پویا و آموختنی است، به واسطه همین ویژگی‌ها، فرهنگ‌شهروندی را می‌توان قابلیت اکتسابی تعریف کرد که شکل‌دهنده به سبک کلی زندگی و هادی تعاملات او با دیگران باشد. در هزاره سوّم، دست‌آوردهای تمدن تکنولوژیکی جایگاه فرهنگ شهروندی را با مفاهیمی چون، فن‌آوری، سواد رسانه‌ای، جهانی‌شدن و چند فرهنگ‌گرایی متحول ساخته و تعبیر جدیدی از فرهنگ شهروندی را شکل داده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷-۷۴).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش منظور از فرهنگ شهروندی میزان آگاهی افراد از حقوقی که در جامعه دارند و میزان تمایل‌شان برای انجام تعهدات و وظایفی که در قبال یکدیگر دارند است و تا زمانی که این مفاهیم در یک جامعه نهادینه نشوند و هر یک از شهروندان با حقوق و وظایف خود آشنا نگردند و نسبت به جامعه احساس تعهد نداشته باشند، فرهنگ شهروندی شکل نمی‌گیرد. در بررسی مفهوم آگاهی از حقوق شهروندی هر چهار بعد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده است.

سرمایه فرهنگی^۲

تعریف نظری: سرمایه فرهنگی را می‌توان توانایی تصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی و نیز توانایی‌های ادبی-گفتاری تعریف کرد. بوردیو سرمایه فرهنگی را به مثابه دانشی می‌داند که افراد را قادر به تفسیر کدهای فرهنگی گوناگون می‌کند. (کاووسی و همکار، ۱۳۸۹: ۸۷-۹۰)

تعریف عملیاتی: مفهوم سرمایه فرهنگی دارای سه بعد

در بین شهروندان جامعه ارائه گردد. در این تحقیق به سنجش میزان سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی شهروندان در تنکابن پرداخته و میزان همبستگی بین این دو متغیر با متغیر شهروندی فرهنگی در جامعه مورد بررسی، مورد مطالعه قرار گرفته است. بنابراین سوالات تحقیق عبارتند از: آیا بین میزان سه متغیر سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی می‌توان همبستگی برقرار کرد؟ و چه راهکارها و راهبردهایی را می‌توان برای ارتقاء شاخص شهروندی فرهنگی در این شهر به صورت نهادینه و مستمر برنامه ریزی کرد؟

مفاهیم پژوهش

شهروندی فرهنگی^۱

تعریف نظری: شهروندی فرهنگی مفهومی است که بر تفاوت‌های فرهنگی و غنیمت شمردن این تفاوت‌ها تأکید می‌نماید ضمن این‌که به هنجارهای برتر ملی نیز احترام گذاشته می‌شود. از این منظر، تفاوت‌ها به عنوان یک فرصت تلقی می‌شوند نه به عنوان تهدید. شهروند فرهنگی بر نقش تضاد و تعارض در شکل‌گیری فرهنگ جدید و اشکال سیاسی جدید تأکید دارد (قلتاش، ۱۳۹۱: ۵۷). همچنین مفهوم شهروندی فرهنگی تحت تاثیر ساختمان ذهنی و گرایشات فرهنگی افراد جامعه است «که انسان‌ها از طریق آنها با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. زیرا انسان‌ها مجهز به یک رشته طرح‌های ملکه ذهن شده‌اند، با آنها جهان اجتماعی‌شان را ادراک، فهم، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند. از طریق همین طرح‌های ذهنی است که آدم‌ها عملکردهای‌شان را تولید می‌کنند. (کفاشی، ۱۳۸۷: ۹۲).

تعریف عملیاتی: برای سنجش بهتر مفهوم شهروندی

فرهنگی آن به دو بخش پذیرش تنوعات فرهنگی و میزان گرایشات فرهنگی تقسیم شده است. در جامعه افراد از لحاظ فرهنگی (قومیت، نژاد، زبان، دین، سنت‌های فرهنگی و...) با یکدیگر متفاوت‌اند و از ساختمان ذهنی متفاوتی برخوردارند

² Cultural capital

¹ Cultural Citizenship

ضریب همبستگی آنها برابر ۰/۱۷ درصد است. به عبارتی آموزش‌های فرهنگی شهرداری‌ها می‌توانند در افزایش میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی نقش داشته باشند. از میان ابعاد سه گانه آن، آموزش‌های شهرداری در افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان با ضریب همبستگی ۰/۳۳ درصد بیشترین نقش را داشته است، اما در مورد دو بعد دیگر همبستگی معناداری وجود نداشته است. (گنجی، ۱۳۹۳: ۷۵-۱۰۰).

حسینی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها، (مطالعه موردی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه) که به روش پیمایشی انجام گرفته است، نشان می‌دهد که در بعد ارزشی، بیشترین میانگین مربوط به مولفه همدلی با دیگران و کمترین میانگین مربوط به مولفه‌ی روحیه پرسش‌گری و در بعد هنجاری بیشترین میانگین مربوط به مولفه رعایت آداب معاشرت در ارتباط با دیگران و کمترین مربوط به مولفه‌ی استفاده از اوقات فراغت است. در حیطه‌ی ارزش‌ها، تنها بر اساس دانشکده محل تحصیل تفاوت معناداری وجود داشته است؛ اما در حیطه هنجارها در هیچ یک از ابعاد تفاوت معناداری مشاهده نشده است. در نهایت می‌توان گفت نویسنده دانشگاه را به عنوان یک نهاد آموزشی و فرهنگی دانسته که نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد داشته است زیرا سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان، میانگین متوسط و رو به بالا را نشان می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۲۳-۲۴۲).

اذانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی پیمایشی با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد نشان می‌دهند که میزان پایبندی شهروندان یزدی به ابعاد سه گانه‌ی شهروندی (مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری، رعایت قوانین و در نهایت به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشد. (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱-۱۰۲).

شیانی و داوودوند (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد

اصلی است: «(۱) حالت تجسّم یافته: می‌توان اکثر ویژگی‌های سرمایه فرهنگی را از این واقعیت استنباط کرد که این سرمایه با شخصی که در آن تجسّم می‌آید ارتباط نزدیک دارد. (۲) حالت عینیت یافته: یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است این سرمایه در اشیای مادی، رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقّاشی، ابزار و نظایر آن و به طور کلی در مادیات آن، قابل انتقال است. لذا کالاهای فرهنگی را هم می‌توان به صورت مادی تخصیص داد (که منجر به سرمایه اقتصادی می‌شود.) و هم به صورت نمادی (که منجر به سرمایه فرهنگی می‌شود). (۳) حالت نهادی شده: این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است. مدارک تحصیلی و آکادمیک نمونه‌ای از این حالت است.» (شارع‌پور و خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۳۶-۱۳۷). برای بررسی مفهوم سرمایه فرهنگی به دو بعد سرمایه عینیت یافته و نهادی شده توجه شده است.

پیشینه تحقیق

مفهوم شهروندی بیان‌کننده موقعیتی است که حقوق و تکالیف افراد جامعه را مشخص می‌کند و آگاهی از آن برای شهروندان و اداره‌کنندگان جامعه دارای اهمیت است. بررسی تحقیقات انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد برای تحلیل این پدیده اجتماعی باید به ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توجه کرد.

گنجی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی به سنجش میزان فرهنگ شهروندی با ابعاد چون مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و رعایت قوانین پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن شهروندان آران و بیدگل که ۱۸۰ نفر از آنان از طریق نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از تجزیه تحلیل مقاله نشان می‌دهد که بین آموزش‌های شهروندی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد و میزان

نویسندگان معتقدند که «زنان در جامعه کمتر از مردان به امکانات بهداشتی دسترسی داشته و سطح سواد و تعلیم و تربیت در آنها پایین‌تر از مردان است. در برابر کار مساوی مزد کمتری می‌گیرند و ساعات بیشتری را در طول روز بدون مزد و با مزد کار می‌کنند و بیشتر در معرض خشونت و نابرابری و تبعیض قرار دارند.» (نوروزی و گل پرور، ۱۳۹۰: ۱۶۹). در نهایت نتایج این تحقیق بیان می‌کند که «کیفیت و کمیت مشارکت فرد در جامعه که تکلیف او در قبال جامعه است به میزان بالایی تحت تاثیر کیفیت و کمیت حقوق او و میزان برخورداری او از این حقوق است این تحقیق تاثیر عواملی مانند طبقه اجتماعی، جامعه‌پذیری، تقسیم کارخانگی، سن و تأهل را بر میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی مطالعه کرده است. و به این نتیجه اشاره می‌کند که میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی پایین‌تر از حد متوسط است. حُسن انجام این تحقیق در آن است که به زنان به عنوان شهروندان مطرود شده در کنار اقلیت‌های شهروندی در جامعه دیده شده‌اند که بهبود موقعیت آنان در زندگی اجتماعی موجب مشارکت فعال آنان در عرصه‌های مختلف زندگی شهری خواهد شد. از سوی دیگر، تحقیق مذکور به صورت تک بعدی و با یک رویکرد فمینیستی به موضوع معطوف گردیده است.

شاه طالبی و همکاران (۱۳۸۹) مقاله‌ای را با عنوان مولفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه ارزشها و هنجارها به روش توصیفی-پیمایشی انجام داده‌اند. روش آنها توصیفی و پیمایشی و جامعه آماری تحقیق مشتمل بر کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۴ و دانشگاه‌های دولتی یزد، اصفهان، شیراز، مشهد و تهران در رشته علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و روانشناسی بالغ بر ۲۸۳ نفر بوده است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که مولفه‌ی ترجیح مصالح جمعی بر مصالح فردی با بار عاملی ۰/۷۷ بیشترین ضریب و مولفه حفظ محیط زیست با بار عاملی ۰/۴ کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در بعد هنجارها قدرت حل تعارض در مواجهه با دیگران و توانایی اظهار نظر در میان جمع با بار عاملی ۰/۷۲ بیشترین و کمترین بار عاملی

اسلامی تهران مرکز "به بررسی تطبیقی شهروندی در این دو دانشگاه پرداخته‌اند. مبنای این تحقیق آن است که «اصولاً حقوقی که به یک شهروند تعلق می‌گیرد، در رابطه متقابل با جامعه معنادار می‌شود. از این رو شهروندان برای عمل به وظایف خود و مشارکت در مسائل عمومی و مصالح جامعه ابتدا باید از حقوق شهروندی برخوردار شوند که مقدمه آن آگاهی است. بنابراین پیش فرض اصلی آن است که آگاهی و شناخت از حقوق شهروندی مبنای عمل و تحقق شهروندی خواهد بود لذا شهروندان در این زمینه باید آموزش ببینند. از آنجا که دانشجویان از مجاری مهم روشنفکری در جوامع به‌شمار می‌آیند، آگاهی آنان از حقوق شهروندی نقش مهمی در ارتقای آگاهی دیگر افراد و ارتقای سطح فرهنگی جامعه دارد. پژوهش آنها در انطباق با نظریه ترنر نشان داد، شرایط فرهنگی و تعلیم و تربیت بر میزان آگاهی دانشجویان موثر است، به طوری که دانشجویان مورد مطالعه دارای میزان متوسطی آگاهی از حقوق شهروندی هستند و بین میزان آگاهی دانشجویان دو دانشگاه تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که میزان آگاهی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد کمتر از دانشجویان دانشگاه دولتی (علامه طباطبایی) بوده است. این نتیجه به ویژه در آگاهی از حقوق جنسیتی، حقوق مدنی، حقوق فرهنگی و حقوق اجتماعی بدست آمده است. این امر نشان می‌دهد افزون بر این که دانشگاه‌ها نقش خود را به طور کامل در این زمینه ایفا نکرده‌اند، شرایط متفاوتی هم به لحاظ دسترسی به منابع در این دو دانشگاه وجود دارد.» (شایانی و داوودوند، ۱۳۹۰: ۵۰) این مقاله میزان آگاهی و آموزش قشر خاصی از جامعه در مقطع مشخصی از سن را بررسی کرده است، هرچند بهتر است آموزش شهروندی و افزایش آگاهی از حقوق شهروندی در سنین پایین‌تر و در تمام اقشار جامعه صورت گیرد. نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰) تحقیقی در زمینه برخورداری زنان از حقوق شهروندی ارائه کرده‌اند با عنوان "بررسی میزان احساس زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن". در این پژوهش زنان یکی از عوامل موثر بر توسعه پایدار جامعه در نظر گرفته شده است که بدون مشارکت فعال آنان در این عرصه جوامع امروزی با مشکلات و موانعی روبرو خواهند شد.

عمومی با سازمان‌هایی کارا و اثربخش وجود داشته باشد. به عبارت دیگر از نشانه های ایجاد فرهنگ‌شهروندی وجود حاکمیت خوب، سازمان‌های کارا و شهروند فعال در عرصه‌های اجتماع است.» (فاطمی نیا: ۱۳۸۶: ۳۶) در نهایت این مقاله به این نتیجه می‌رسد که «حقوق و تعهدات شهروندی دو روی یک سکه‌اند. این حقوق و تعهدات شامل تمام عناصر و عرصه‌های مختلف جامعه می‌شود و همچنین شهروندی یک حق است و شهروندان فعال عنصری کلیدی برای توسعه فرهنگ شهروندی محسوب می‌شود. در پایان می‌توان گفت که فرهنگ شهروندی نقطه تلاقی و ماحصل حاکمیت خوب، سازمان‌کارا و شهروندی فعال است و فرهنگ شهروندی ایجاد نمی‌شود مگر آنکه دولت، سازمان‌کارا و شهروندان مسئول و متعهدی داشته باشیم.» (همان: ۵۳-۵۴) در این تحقیق برای بررسی فرهنگ شهروندی به حاکمیت خوب و سازمان‌کارا و شهروند فعال باید توجه کرد و عواملی دیگری غیر از تعهد و مسئولیت که می‌تواند بر فرهنگ شهروندی موثر باشد در نظر گرفته نشده است.

مولر (2010) در مقاله‌ای با عنوان عملکرد شهروندی فرهنگی، مخاطبان و سیاست چند فرهنگی تلویزیون درام، پیشنهاد می‌کند که فرهنگ عمومی به عنوان یک منبع مهم برای انجام کارهای شهروندی فرهنگی باشد و به بررسی چگونگی برنامه تلویزیونی درام چند فرهنگی که ممکن است در ساخت ارتباطات و قوت فرهنگ در جوامع چند فرهنگی استفاده شود می‌پردازد. اساس بحث او یک مطالعه بزرگ بر روی واکنش‌های شنیداری است که به طور واضح برای پرورش فهم درون فرهنگی و تحمل نسل طراحی شده بود، که برای اکثر بینندگان مجموعه محدود شده‌ای از فهرست‌ها را برای نمایش دادن قرار داده بودند تا احساس را نشان دهد. هرچند که در طی این کار آنها گاهی اوقات مسائل سیاسی را هم لمس می‌کردند ولی در شرایط خاص به عملکردهای شهروندی فرهنگی منجر شده بود. مولر بیان می‌دارد که تحلیل‌هایشان نشان داده که درگیری‌های احساسی در درام چند فرهنگی ممکن به منجر به مباحث غیر قابل حل، پیرامون نقش اختلاف فرهنگی در زندگی روزمره بینندگان شود. مولر

مربوط به مولفه مسئولیت‌پذیری با بار عاملی ۰/۳۱ بوده است. همچنین در این پژوهش در ابعاد جمعیت‌شناختی نظرات پاسخگویان تفاوتی مشاهده نگردیده است. (شاه‌طالبی، ۱۳۸۸: ۷۳-۹۶).

هاشمیان فر و گنجی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، با استفاده از نظریه‌ها و مدل‌های گوناگون، ابعاد کمی و کیفی فرهنگ شهروندی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش مبین آن است که میزان پایبندی شهروندان اصفهانی به اصول و هنجارهای شهروندی در حد متوسط است. عدم رعایت قوانین و فقدان همکاری از موانع عمده‌ی فرهنگ شهروندی در اصفهان است که مسئولان و برنامه‌ریزان برای رفع این موانع باید مجدداً تلاش کنند. (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸: ۲۵-۴۴).

فکوهی (۱۳۸۸) در مقاله خود در مورد تقویت اخلاق و فرهنگ شهروندی، با عنوان راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی بیانگر آن است که ایجاد اخلاق شهروندی نمی‌تواند از صفر شروع شود و هیچ فرهنگ و اخلاقی در هیچ زمینه‌ای نمی‌تواند با حرکت از صفر و بدون پشتوانه و مواد خام برپا کرد. در این میان هر اندازه پشتوانه‌های ماقوی‌تر و پربرتر باشند احتمال دستیابی به هدف غایی، یعنی تبیین یک اخلاق شهروندی مناسب، خود امکان‌گسترش و رواج یافتن این اخلاق بیشتر می‌شود. کشور ایران دارای منابع متعدد و غنی شامل (دین، سنت، تنوع زبانی و قومی) در زمینه ایجاد و گسترش اخلاق و فرهنگ شهروندی است که باید مورد توجه قرار گیرد. (فکوهی، ۱۳۸۸).

فاطمی‌نیا (۱۳۸۶) تحقیقی در زمینه شهروندی و فرهنگ شهروندی با عنوان "فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب و سازمان‌کارا و شهروند فعال" انجام داده است. در این تحقیق هدف از مفهوم شهروندی «همان شهروند فعال است، به عبارت دیگر همان شهروند خوب و مسئول و معتقد است شکل‌گیری شهروند فعال نیازمند تحولاتی در سه عرصه خصوصی، عمومی و دولت است و همچنین متناسب با آن در جامعه، باید دولتی با حاکمیتی خوب، و عرصه‌ای

فرهنگ سیاسی همیشه یک متغیر تعیین کننده در نظریه سیاسی لیبرال بوده است. دوم اینکه آن در این مورد بحث می کند که کلید بحث های عمومی و خصوصی، به عنوان اشکال برجسته در نظریه سیاسی لیبرال مستلزم فرهنگ سیاسی هستند که عمل تعیین بین هویت عمومی و خصوصی را پشتیبانی می کنند. سوم اینکه فرهنگ سیاسی رهایی یک ضد رهایی را باعث می شود که نوع جدیدی از دیالتیک روشنگری است که اشکال مدرن نارضایتی از زندگی دموکراتیک را نشان می دهد (Van oenen, 2010: 293-306).

استیونسون (2003) در مقاله ای تحت عنوان شهروندی فرهنگی در جامعه فرهنگی، رویکرد جهان وطنی، به دنبال یک مدل شهروندی فرهنگی مناسب برای جهان وطنی شدن است. که در این مقاله انواع تم ها و مسائل را مطرح می کند. او به بحث درباره مفاهیم دموکراتیک جامعه مدنی، خروج فرهنگی، تأثیر توسعه رسانه ها از ارتباطات جمعی، جهانی شدن و هویت سیاست می پردازد. و به طور خاص بر اهمیت بحث های فوکو و هابرماس در فهم فرهنگ شهروندی توجه می کند. در نهایت با توجه و استفاده از برخی تم های پیشنهاد شده توسط هابرماس و فوکو به بحث در مورد اشکال آموزش و پرورش برای شهروندی مدرن می پردازد. (Stevenson, 2003).

دوچرتی و همکاران (2001)، در تحقیقی با عنوان فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله های متضاد به این نتیجه رسیدند «که فرهنگ مدنی، نهادهای سیاسی، سیاست های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان موثر است.» (Docherty, 2001: 2250-2225)

کوگان (1999) در تحلیل شهروندی عمدتاً به چهار بعد اشاره می نماید: بعد فردی، اجتماعی، مکانی و زمانی. وی اعتقاد دارد که بعد فردی شهروندی بر گسترش توانایی فردی و تعهد نسبت به یک اصول اخلاقی و رفتاری تأکید دارد که به لحاظ فردی و اجتماعی، توسط خصلت های ذهنی و فکری، عشق و علاقه و عمل مشخص می شود. این توانایی ها باید در موقعیت های آموزشی گسترش و نهادینه شوند. بنابراین اگر چه توسعه و گسترش توانایی ها و تعهدات فردی لازم است اما آنها به تنهایی کافی نیستند و از طریق بعد

بر اساس یافته ها عملکرد شهروندی را به عنوان یک عمل شورشی تعریف می کند که به میانجی گری های بیشتر در حوزه های زندگی عمومی و خصوصی نیاز دارد که وسیله سیاست و یا عملکرد های مدنی برای تولید اثر اجتماعی حیاتی است. (Muller, 2010:193-208)

گود (2010) نیز در مقاله ای با عنوان شهروندی فرهنگی آنلاین، فرهنگ دیجیتالی و اینترنتی، به بررسی ارتباط بین شهروندی فرهنگی و رسانه ای مبتنی بر اینترنت می پردازد. در این پژوهش استدلال می شود که درگیر شدن با کمک های شهروندی فرهنگی مباحث انتقالی فراتر از مفاهیم غلط شکاف دیجیتالی است. گود در این مقاله پیشنهاد می کند که شهروندی فرهنگی، سوالات در دسترس، بینش و شناختن فرهنگ و همچنین تنش های بین درون و برون فرهنگی جامعه باید به صورت آنلاین فراخوانی شود. نتایج نشان داده اند که تحقیق در این زمینه باید اینترنت را به عنوان یک آرشو فرهنگی باز در خدمت بگیرند که شهروندان بتوانند به طور آزاد از آنها استفاده کنند، به عبارت دیگر ادعاهای فرهنگی برای تصدیق فرهنگی، حق حاکمیت و حفاظت را آزادانه به خدمت بگیرند. (Goode, 2010: 527 – 542)

وان (2010) مقاله ای را با عنوان اثرات تعامل و ایستایی بر شهروندی انجام داده است و تأکید می کند مفاهیم شهروندی در نظریه سیاسی لیبرال مدرن همیشه وجود داشته است و به طور قاطع و صریح بوسیله دینامیک های فرهنگ سیاسی تحت تأثیر بوده است. او به نظریه عدالت راولز اشاره می کند که یک الگوی نظریه سیاسی لیبرال مدرن است و به طور قاطع یک فرهنگ سیاسی، رهایی بخش، و رفاهی پیش فرض می شود. راولز در لیبرالیسم خود اصل عدالت را مقدم بر آزادی نمی داند، عدالت و برابری خاصی که او در لیبرالیسم وارد می کند برابری در افزایش بهره مندی اجتماعی است. او سه نوبت فرهنگی را تشخیص می دهد که چگونه واضح ساختن شهروندی توسط فرهنگ سیاسی در چند دهه ی اخیر تأثیر گذار بوده است. اول اینکه مفهوم دسترسی به فرهنگ خود به وسیله لیبرالیسم چند فرهنگی طرفداری می شود که نشان داده شده است که صرفاً یک شناخت متأخر این واقعیت است که

مبانی نظری

شهروندی به عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن، از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویا است. انواع شهروندی عبارتند از: شهروندی ملی: نوعی از شهروندی است که در قالب تعلق به یک کشور و ملت خاصی شکل می‌گیرد و برخاسته از نظام دولت - ملت است. باید توجه داشت که معنای حقیقی شهروندی، برگرفته از شهروندی ملی است و سایر مفاهیم شهروندی به صورت مجازی، استفاده می‌شوند. ب) شهروندی منطقه‌ای، ج) شهروندی جهانی، د) شهروندی متحرک (منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲۷-۳۲۸). سابقاً مفهوم شهروندی، بار سیاسی با خود به همراه داشت و به کسی گفته می‌شد که از حقوق برابر برای زندگی در یک اجتماع سیاسی برخوردار بود. اما امروزه شهروندی فرهنگی نه تنها این معنا را در خود دارد بلکه به معنای یک حق عمومی و حق جمعی است. این حق شامل حق حفظ هویت و حق عمل براساس فرهنگ می‌شود (کریمی، ۱۳۹۰: ۳۱۷-۳۲۱). بدین ترتیب، شهروندی ملی به ویژه در عصر جهانی شدن، در کنار بهره‌مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از مجموعه جدیدی از حقوق به نام حقوق فرهنگی برخوردار می‌شود. حقوق فرهنگی بر مبنای حق متفاوت بودن استوار می‌گردد، شامل مجموعه‌ای هم چون: ۱. حق دستیابی کامل به زبان و فرهنگ اکثریت ۲. حق حفظ زبان‌ها و فرهنگ‌های اقلیت ۳. حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت ۴. برابری آموزشی ۵. حق داشتن ارتباطات بین فرهنگی و بین‌المللی و مانند این‌ها.

منشأ ایده شهروندی همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی در یونان باستان یافت می‌شود. اثر ارسطو اولین تلاش نظام مند برای طرح یک نظریه در مورد شهروندی است. در حالیکه اولین تجلی تجربه شهروندی در دولت شهرهای یونان و به ویژه شهر آتن، از قرن پنجم تا قرن چهارم قبل میلاد یافت شده‌اند، اما شکل و کارکرد شهروندی یونانی‌ها بسیار متفاوت از شکل و کارکرد شهروندی دوره

اجتماعی شهروندان باید قادر باشند که در شرایط و موقعیت‌های مختلف نیز فعالیت کنند و کنش متقابل داشته باشند. در بعد مکانی، هر فرد، فراتر از خود و جامعه پیرامونی، در حیطه چند جامعه محلی، ناحیه‌ای، ملی و چند فرهنگی عمل می‌کند. انسجام دهکده جهانی در قرن بیست و یکم از حجم و بعد بیشتری برخوردار است. به میزان زیادی این نتیجه می‌توان به تغییرات در تکنولوژی، ارتباطات، الگوهای تجاری، مهاجرت و ... نسبت داد. بعد زمانی شهروندی بر این موضوع تاکید دارد که شهروندان نباید خود را خیلی در زمان حال محدود کنند و از تحلیل گذشته و آینده غافل بمانند. در بعد زمانی نیز، محدود بودن دیدگاه مان به شرایط خاص، سبب می‌شود وسعت زمان را درک نکرده و از گسترش زمان غافل بمانیم. این موضوع، دقت و احتیاط در القای مفهوم زمان به فراگیران را نشان می‌دهد. بعد زمانی باید زمان معاصر و چالش‌هایی را در شرایط و موقعیت‌های گذشته و آینده جای دهد. این عامل کمک می‌کند تا از راضی شدن به راه‌حل‌های کوتاه مدت برای حل مشکلات اجتناب شود. (Coogan, 1999).

با توجه به تحقیقات انجام شده تفاوت این تحقیق در این است که در ایران کمتر بعد فرهنگی شهروندی و نقش اقلیت‌های فرهنگی جامعه مورد مطالعه قرار گرفته است. در حقیقت، در این مطالعه علاوه بر در نظر گرفتن مفهوم عمومی شهروندی به بعد فرهنگی شهروندی توجه شده و دنبال بررسی و تحلیل رابطه عواملی چون سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی و متغیر وابسته که همان شهروندی فرهنگی است معطوف شده است؛ همچنین مطالعه توصیفی از وضعیت تنوعات فرهنگی و گرایش‌های فرهنگی شهروندان توجه شده است و سعی در سنجش میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تمایل‌شان برای اجرای تعهدات مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر سعی شده ترکیبی از عقاید نظریه پردازان در ارتباط با شهروندی در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گیرد، تا بتوان مفهوم شهروندی فرهنگی را با توجه به ابعاد متفاوت و با تاکید بر بعد فرهنگی مطالعه کرد.

منظر شهروندی عقلانی وبر، شهروندی مدنی و عرفی دورکیمی و شهروندی عرفی و گزلفاشافتی تونیس می‌کند. پارسونز نیز در قالب مفهوم شهروندی اجتماعی مدرنیستی، با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی، بی‌طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی، تصویری از شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه می‌کند. از نظر میلر (۲۰۱۱) شهروندی فرهنگی رساله درخشان و اصلی در شهروندی و مصرف است، و آن را یک مدل از مطالعات فرهنگی پرشور و سیاسی که مسائل کلیدی از درگیر لحظه حاضر است در نظر می‌گیرد. او برای نشان دادن ادعای خود از شهروندی فرهنگی به پوشش رسانه‌ای از ترور، مواد غذایی و آب و هوا و مخلوطی از موضوع‌های به ظاهر پیش و پا افتاده که در ابتدا خواننده عنوان عجیب و غریب را به آن می‌دهند، ضربه می‌زند. اما خیلی زود مشخص می‌شود که آنها نمونه‌های کلیدی است که چگونه رسانه‌های ایالت متحده با استفاده از این موارد برای افزایش محافظه‌کاری ملی، حمایت از تولیدات، وطن‌پرستی و مفاهیم نظامی ارائه می‌کند. (Miller, 2011).

چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از نظریات اندیشمندانی چون ژانوسکی، یانگ، کیملیکا، مارشال، ترنر و بوردیو است، این نظریات دارای وجوه مشترکی هستند که در بررسی نظری شهروندی فرهنگی به آن اشاره می‌شود. از نظر کیملیکا، «امروزه اکثر جوامع مدرن با گروه‌های اقلیتی مواجه هستند که خواهان به رسمیت شناخته شدن هویت خویش‌اند؛ پدیده‌ای که عنوان "چندفرهنگ‌گرایی" به خود گرفته است. او نیز مانند یانگ از یک شهروندی "متمایز" دفاع می‌کند. به نفع چیزی استدلال می‌کند که آن را شهروندی چند فرهنگی^۱ می‌نامد که اهمیت فرهنگ را برای احساس شأن و هویت فرد به رسمیت می‌شناسد. او نظریه‌ای در مورد حقوق اقلیت ارائه می‌دهد: یک نظریه جامع عدالت در یک دولت چندفرهنگی که هم شامل حقوق همگانی است که به افراد

مدرن بود. از این رو، تاریخدانان عموماً توسعه‌ی شهروندی را به مراحل مجزا تقسیم می‌کنند تا تغییر معنای این مفهوم را از منشأهای آن در جهان باستان تا دوره مدرنیته و فراسوی آن نشان دهند (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۵).

اصطلاح شهروندی اولین بار در اعلامیه حقوق بشر مطرح شد و شاید انگیزه اصلی تعریف این واژه در ادوار باستان به نوعی رجحان شهروندان قلمرو یک دولت یا فئودال بر بیگانگانی بوده است که در قلمرو آن دولت یا فئودال سکونت داشته‌اند. شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است که از مزایا و نیز مسئولیت‌های وابسته به این عضویت برخوردار است. به عبارت دیگر شهروندی برخوردار از برخی حقوق به ازای قبول پاره‌ای از تکالیف است (موشار و دورماگن، ۱۳۸۹: ۱۲۰). کراجنیک شهروندی را مقوله‌ای می‌داند که باید آموخته شود و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که فرصت‌های مناسب برای آن وجود داشته باشد. (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۸). کاستلز سه رویکرد اساسی برای شهروندی قائل است که دارای ویژگی‌ها و مفروضات متفاوتی هستند. این رویکردها عبارت‌اند از: الف) رویکرد حذفی متفاوت، ب) رویکرد جذب یا همانند سازی، ج) رویکرد تکثر‌گرا. همچنین گیدنز معتقد به پیوند و ارتباط ناگسستنی و دو سویه میان مفهوم شهروندی و جامعه است. هم مفهوم و هم پدیده شهروندی به سه شکل با جامعه در ارتباط است. به طوری که مشاهده می‌شود مفهوم و پدیده شهروندی همزمان با جامعه سیاسی (شهروندی در ارتباط با دولت و حکومت در سطوح ملی، محلی و شهری)، جامعه مدنی (شهروندی در ارتباط با حوزه عمومی) و نظام جامعه‌ای (شهروندی در ارتباط با نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، شکل‌دهنده جامعه) در ارتباط است. (Giddens, 1993)

جامعه‌شناسان کلاسیک خصوصاً وبر، دورکیم و تونیس، نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در غالب پدیده شهروندی پدید آورده‌اند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام و نظم اجتماعی می‌گراید. از این

¹ Multicultural Citizenship

امری ریشه در تعریف وی از فرهنگ دارد. او فرهنگ را با ملت و مردم مترادف می‌داند. و بر همین مبناست که دولت نیز، دولتی چندفرهنگی است که اعضای آن یا از ملت‌های مختلفی تشکیل شده و یا مهاجران سرزمین‌های دیگر آن را سازمان داده‌اند.

از نظر کیملیکا «دست‌رسی به گزینه‌های معنادار به دست‌رسی به یک فرهنگ اجتماعی و درک تاریخ و زبان آن فرهنگ بستگی دارد». با توجه به اهمیت بستر فرهنگ ملی برای شهروندی، کیملیکا این موضوع را ضروری می‌داند که جامعه سیاسی از همه فرهنگ‌های قومی که برای اعضایش مهم هستند، حمایت کند. کیملیکا آنچه را حقوق اشتراکی فرهنگ اقلیت‌ها می‌نامد تعریف کرده است و بر آن است که به رسمیت شناختن این حقوق از الزامات هر گونه سیاست چند فرهنگی و جامعه کثرت‌گرا است. این سخن بدان معنا است که هر چند گروه‌های قومی نمی‌توانند مانع از آن شوند که اعضای آنها خواستار آزادی‌ها و حقوقی شوند که در کل جامعه فراهم است، چنین گروه‌هایی می‌توانند ادعا کنند که سایر گروه‌ها و به خصوص گروه‌های اکثریت نباید مدعی انحصاری این آزادی‌ها و حقوق باشند و این انحصار طلبی موجه و مشروع نیست (شربتیان، ۱۳۸۷).

از بعد دیگر در فرهنگ شهروندی، مدیریت شهری در کنار ساز و کارهای قانونی، رعایت اخلاق شهروندی را باید به نظام‌های عرفی و درونی کنشگران اجتماعی سوق دهد؛ به این منظور باید برنامه‌ریزان و کارشناسان مدیریت شهری ابتدا هر شهروندی را نسبت به حقوق و وظایف خود و دیگران به طور مستمر و دائم آگاه کنند، سپس لازم است این آگاهی را درونی یا نهادینه کنند، در کنار این آگاهی و نهادینه کردن مدیران شهری باید از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی شرایط اجتماعی را ایجاد کنند، که شهروندان بتوانند در موقعیت‌های متعادل از حقوق شهروندی خود استفاده کنند؛ و در عین حال به وظایف خود نسبت به سایر شهروندان و مدیریت شهری عمل نمایند؛ این تعامل دو سویه میان کنشگران روابط شهری متعادل را ایجاد می‌کند، که این فرایند در توسعه شهری بسیار اثر گذار است، اما اجرای این فرایند

صرف نظر عضویت شان در گروهی خاص اعطا می‌شود و هم حقوق ویژه ممتاز گروهی یا موقعیت ویژه برای فرهنگ اقلیت». (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۱۶-۱۲۰).

به نظر کیملیکا، این اصطلاح (چند فرهنگ گرایی) شامل اشکال بسیار متفاوت پلورالیسم فرهنگی می‌شود که هر کدام از این اشکال، چالش مربوط به خود را به دنبال دارند. اقلیت‌های فرهنگی به اشکال گوناگون در درون جوامع سیاسی ادغام شده‌اند و این امر بر ماهیت این گروه‌ها و نیز بر نوع روابط آنها با جوامع بزرگ تر تأثیر می‌گذارد. به این معنا، تعمیم و کلی‌گویی در باره پدیده «چند فرهنگ گرایی» گمراه کننده است؛ به همین دلیل کیملیکا می‌کوشد تا در ابتدا به تبارشناسی دو الگوی کلی درباره شکل‌گیری چندگونگی فرهنگی بپردازد. این دو الگوی اصلی عبارت‌اند از: اقلیت‌های ملی و گروه‌های قومی. الگوی نخست، اصطلاح اقلیت‌های ملی است که به نوعی چندگونگی فرهنگی دلالت دارد که از ترکیب و ادغام فرهنگ‌های خود مختار قبلی با یک سرزمین معین در یک دولت متمرکز تشکیل یافته است. به نظر کیملیکا اکثر جوامع مدرن دیگر، یک دولت - ملت نیستند، بلکه معمولاً به دلیل وجود بیش از یک ملت در درون هر یک از آنها، دولتی چند ملیتی هستند و ویژگی اصلی اقلیت‌های ملی این است که آنها می‌خواهند تا هویت خودشان را به عنوان جوامع متمایز، در کنار فرهنگ اکثریت حفظ کنند و یا به دنبال کسب استقلال و یا خود مختاری برای حفظ بقاء خودشان به عنوان جوامع متمایز هستند.

الگوی دوم، اصطلاح «گروه‌های قومی» است که به نوعی چندگونگی فرهنگی دلالت دارد که بر اثر مهاجرت افراد، خانواده‌ها، شکل گرفته است. ویژگی متمایز این الگوی چند فرهنگی این است که آنها خواهان ادغام و ترکیب در درون جامعه بزرگتری هستند که عضویت کامل را در درون آن پذیرفته‌اند؛ اما در عین حال، در پی به رسمیت شناخته شدن بیشتر هویت قومی خویش هستند و می‌کوشند تا به نوعی همسازی فرهنگی دست پیدا کنند. به نظر او اصطلاح چندفرهنگی گیج کننده است و به همین دلیل ترجیح می‌دهد، تا از اصطلاح «چند ملیتی» و «چند قومی» استفاده کند، چنین

توجه حکومت‌ها و نهادهای عمومی به زبان‌های محلی و فرهنگ‌های خاص است. (توانا، ۱۳۹۰: ۲۸-۳۵). یانگ تأکید می‌کند که نظام لیبرال چون که شهروندی را بر اساس معیارهای عام و یکسان تعریف می‌کند به بازتولید سرکوب گروهی می‌انجامد. بر همین اساس، وی درصدد حل مسئله سرکوب گروه‌های اجتماعی خاص به بر می‌آید. از نظر یانگ حل این مسئله مستلزم شهروندی متمایز است، بدین معنا که نهادینه شدن شناسایی متقابل و ساز و کار نمایندگی گروهی از طریق اعطای حقوق خاص به گروه‌های فرهنگی اجتماعی متفاوت است. گام اول یانگ به ترسیم مختصات شهروندی متمایز مبتنی بر نمایندگی گروهی، تعریف مفهوم اجتماعی است. از نظر وی گروه اجتماعی به مجموعه‌ای از افراد گفته می‌شود که دارای هویت مشترکی هستند که آنها را از دیگران متمایز می‌سازد. پس از تعریف گروه اجتماعی، یانگ گروه‌های شایسته نمایندگی گروهی را مشخص می‌سازد. از نظر وی هر گروهی که در جامعه مدرن سرکوب را تجربه کرده است شایسته نمایندگی گروهی است. بر همین اساس، یانگ پنج نوع سرکوب گروهی را در جامعه بر می‌شمارد: استثماری، حاشیه نشینی، امپریالیسم فرهنگی، خشونت و تضعیف. پس از آن یانگ تلاش می‌کند راه چاره‌ای برای این معضل (سرکوب) ارائه نماید و بدین منظور، مختصات یک جامعه دموکراتیک را طرح می‌کند که در آن می‌بایست ساز و کارهایی برای نمایندگی و شناسایی نظرات و دیدگاه‌های متفاوت اعضای گروه‌های سرکوب شده فراهم شود. از نظر یانگ چنین نمایندگی گروهی، مستلزم سازوکارهای نهادی است که سه نوع فعالیت را تضمین نماید. (۱) خود سازماندهی اعضای گروه به طوری که اعضای گروه صاحب حق انتخاب جمعی و فهم تأملی در باره تجارب و منافع خود در درون اجتماع شوند. (۲) اظهار نظر گروه درباره طرح‌های سیاسی - اجتماعی که بر آنها تأثیر می‌گذارد و ارائه طرح‌های سیاسی توسط خود آنها به طوری که تصمیم‌گیرندگان این دیدگاه‌ها را مورد توجه قرار دهند (۳) حق و تو سیاست‌های خاص که مستقیماً یک گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نهایتاً یانگ تأکید دارد برای استقرار دموکراسی همه شمول اعضای

سیستماتیک کاری بسیار مشکل و دشوار است و بحران‌های اجتماعی را به همراه دارد. (شربتیان، ۱۳۸۷).

یانگ نظریه شهروندی متمایز خود را بر نقد رادیکال نظریه شهروندی لیبرال بنا می‌کند. وی معتقد است نظریه شهروندی لیبرال در عین این که رهایی‌بخش است سرکوب‌گر نیز هست. بدین معنا که نظریه شهروندی لیبرال با طرح موضوع همه شمولی به تدریج، امتیازات اشرافی را با ادعای حقوق سیاسی برابر به چالش کشید و بدین گونه زنان، کارگران، یهودیان، سیاهان و دیگران را در شمولیت شهروندی قرار داد؛ اما در عین حال دو معنای دیگر از همه شمولی را نیز پرورش داد که بعد رهایی‌بخش شهروندی را مخدوش می‌سازد. یک معنا عمومیت است که بر اساس آن شهروندان می‌بایست به منظور اجماع بر سر خیر مشترک، تفاوت‌های خود را کنارگذارند. معنای دیگر یکسانی و متحدالشکلی است که بر اساس آن قوانین، فارغ از میزان تأثیر آن بر افراد و گروه‌ها به صورت یکسان بر همه اعمال می‌شوند. در این معنا، قوانین تفاوت‌های فردی و گروهی را در نظر نمی‌گیرند. از نظر یانگ، این دو معنا از همه شمولی، متضمن طرد، محرومیت و سرکوبی گروه‌های اجتماعی متفاوت است. بر همین اساس، یانگ شهروندی عمومی به معنای پذیرش یک خیر همگانی توسط تمامی شهروندان و شهروندی متحدالشکل به معنای رفتار یکسان با همه شهروندان را نافی مشارکت اجتماعی کامل تمامی گروه‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌داند. چه این که این دو معنا از شهروندی مستلزم همسان سازی یا جذب فرهنگی از یک سو، طرد و سرکوب تفاوت‌های فرهنگی از سوی دیگر است. در مقابل یانگ معتقد است؛ شمولیت و مشارکت همه گروه‌ها در زندگی سیاسی - اجتماعی، مستلزم شهروندی متمایز یا همان اعطای حقوق خاص به گروه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت است. (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۱۶-۱۲۰).

یانگ معتقد است، اقلیت‌های زبانی و فرهنگی برای حفظ زبان و فرهنگ‌شان باید حقوق خاص داشته باشند و در عین حال از تمام مزایای شهروندی همانند آموزش و فرصت‌های شغلی برابر نیز برخوردار باشند. این حق، مستلزم التزام و

می‌دهند و باعث می‌شوند که جایگاه‌شان در چارچوب اقتصاد فرهنگی وخیم‌تر گردد. به اعتقاد بوردیو این امکان وجود دارد که موقعیت افراد و خانواده را از لحاظ سرمایه فرهنگی آنها نیز مورد بررسی قرار دهیم. وی مفهوم سرمایه فرهنگی را دارای سه بعد اصلی می‌داند: (۱) بعد تجسم‌یافته^۱ یا ذهنی: که شامل تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است. (۲) بعد عینی^۲: که شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی است. (۳) بعد نهادی^۳: که شامل مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی فرد است. (شارع‌پور و خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۳۴) در مطالعه حاضر، بعد تجسم‌یافته سرمایه فرهنگی که همان تمایلات و گرایش‌های فرهنگی است، به عنوان یکی از اجزایی که برای سنجش متغیر شهروندی فرهنگی لازم است، در نظر گرفته شده است. بوردیو در نظریه خود تنها به تأثیرات طبقه اجتماعی بر سلاقی فرهنگی مردم نمی‌پردازد، بلکه همچنین نقشی که فرهنگ در بازتولید روابط طبقاتی در جامعه ایفاء می‌کند، مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین مدعی است که افراد می‌توانند موقعیت مربوط به طبقه اجتماعی خویش را نه تنها با مالکیت سرمایه اقتصادی که نیز با دارا بودن آنچه که وی سرمایه فرهنگی می‌نامد، بهبود بخشند. بدین معنی، هرچه سرمایه فرهنگی ما بیشتر باشد، بهتر می‌توانیم در جامعه خود عمل کرده و پیش برویم. به عبارت دیگر در قالب نظریه بوردیو می‌توان اذعان داشت که وجود ساختارها و امکانات مانند ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بر فرهنگ شهروندی یا ساختارهای ذهنی افراد که متأثر از ملکه ذهن شدن ارزش‌ها و هنجارها و عوامل خارجی است موثر واقع شود به گونه‌ای که هر اندازه امکانات و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای دقیق، مطلوب و با کیفیت بهتری عرضه شده و مورد پذیرش واقع شوند، احتمالاً باعث خواهد شد که بر ارزش‌های، هنجارها و عملکرد و کنش شهروندان در قالب فرهنگ شهروندی موثر واقع شود. (کفّاشی،

گروه‌های خاص باید در عرصه عمومی دموکراتیک همدیگر را ملاقات کنند تا در باره موضوعات مربوطه به بحث پردازند و مواضع و دیدگاه‌های خود را بیان کنند. در واقع، از نظر یانگ شهروندی متمایز مبتنی بر نمایندگی گروهی بخشی از برنامه بزرگتر فرآیندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک است. بدین معنا که زندگی عمومی و فرآیندهای تصمیم‌گیری باید به کلی تغییر یابد، به نحوی که همه شهروندان فرصت بیشتری برای مشارکت در بحث تصمیم‌گیری بیابند. به همین دلیل می‌بایست سیاست‌های متناسب با چنین وضعیتی تدوین شود تا سرکوب به حداقل خود برسد.

بنابراین شهروندی که به عنوان شهروندی فرهنگی است در مورد وضعیت فرهنگ به عنوان گفتمان ساخته شده است. در این دیدگاه آنچه در خطر است حقوق فرهنگی و حقوق اقلیت است؛ و در گسترش چارچوب قانونی حکومت به حوزه فرهنگی است، اما مسائل اصلی کمتر هنجاری از نمادین و شناختی، از آن است که در مورد ساخت و ساز از گفتمان فرهنگی است. (Delanty, 2002).

بوردیو بر رابطه دیالکتیکی میان ساختارهای عینی و پدیده‌های ذهنی تأکید می‌کند. به نظر او از یک سوی، ساختارهای عینی قرار می‌گیرند که مبنای صورت‌های ذهنی را تشکیل می‌دهند و الزام‌های ساختاری را که بر کنش‌های متقابل وارد می‌شوند را تعیین می‌کنند. اما از سوی دیگر، اگر کسی خواسته باشد تلاش‌های روزانه فردی و جمعی را در جهت تغییر و یا حفظ این ساختارها عمل می‌کنند را بررسی کند، باید این صورت‌های ذهنی را در نظر گیرد. بوردیو برای دوری جستن از این تعارض عینیت گرایانه و ذهنیت گرایانه، بر عملکرد تأکید می‌کند که به نظر او، پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است. بوردیو فرهنگ را مانند نوعی اقتصاد یا بازار در نظر می‌گیرد. در این بازار، انسان‌ها بیشتر سرمایه فرهنگی از خود مایه می‌گذارند تا سرمایه اقتصادی. این سرمایه بیشتر از خاصگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی‌شان سرچشمه می‌گیرد. در این بازار، انسان‌ها سرمایه‌شان را جمع می‌کنند و آن را برای بهبود جایگاه اجتماعی‌شان هزینه می‌کنند و یا جایگاه‌شان را از دست

¹ Embodied

² Objective

³ Institutional

متضمن حق رأی، مشارکت سیاسی، فرصت و حق دستیابی به مناصب سیاسی است و بعد اجتماعی شهروندی رفاه و تأمین اجتماعی برای شهروندان، تأمین حداقل آموزشی و بهداشت و رفاهی اقتصادی را شامل می‌شود. تلاش برای ایجاد عدالت و برابری جنسیت، حساسیت نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی، تلاش در جهت ایجاد امنیت اجتماعی و رفاه، سلامتی و ... از جمله مهم‌ترین مولفه‌های بعد اجتماعی شهروندی است. قلمرو اقتصادی شهروندی نیز به ارتباط میان افراد درون یک ساختار اجتماعی تأکید می‌کند، امنیت اجتماعی، فرصت شغلی، کار، امرار معاش و برخورداری از محیط سالم اجتماعی از مولفه‌های بعد اقتصادی شهروندی است. و حیطه مدنی شهروندی به شیوه معمول و متعارض که در یک جامعه شهروندان اهداف عمومی و اجتماعی خود را تعریف و تعقیب می‌کنند اطلاق می‌شود. (اسلامی و نیازی، ۱۳۸۹: ۲۳).

توبیاس معتقد است فرهنگ شهروندی مقوله‌ای فرهنگی بوده و مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و توانمندی‌های اکتسابی تک‌تک افراد جامعه را در بر می‌گیرد و با تصحیح رفتارها، زمینه لازم را برای رشد و توسعه‌ی جامعه فراهم می‌کند. (Tobias, 1997). بنابراین شهروند خوب کسی است که در تمامی این حوزه‌ها و قلمروها از حقوق و وظایف خویش آشنا باشد و همواره تلاش کند تا به بهترین نحو به انجام وظایف خویش بپردازد (Hamatt & Staeheli, 2011).

از وجوه اصلی اندیشه مارشال این است که این نظریه نوعی وابستگی متقابل درباره حقوق شهروندی را بیان می‌کند. از نتایج مهم این دیدگاه این است که مشخصه برخورداری از هر شهروند از بنیان‌های فرهنگی شهروندی و بهره‌مند بودن از این حقوق در آن مطرح شده است. (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

ترنر ابتدا به نقد فرهنگ شهروندی مارشال پرداخته و عقیده دارد که باید در حقوق شهروندی نه تنها به ابعاد "مدنی و سیاسی" شهروندی توجه کرد، بلکه ابعاد "اقتصادی و فرهنگی" حقوق شهروندان باید مورد مطالعه قرار گیرد. وی

۱۳۸۷: ۹۲-۹۴). به طور کلی برای بررسی فرهنگ شهروندی از نظریات سه اندیشمند (مارشال، ترنر و ژانوسکی) استفاده شده است.

از دیدگاه مارشال شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که جامعه آنرا به تمامی اعضا اهدا نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه، وظایف و حقوق برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند. (توسلی و نجاتی، ۱۳۸۲: ۴۰) و به موجب آن در برابر جامعه مسئولند. از نظر مارشال این سه بعد شهروندی عبارتند از: «۱) حقوق مدنی و شهروندی مدنی، عبارت از حقی که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادها، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند» (۲) حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند (۳) حقوق اجتماعی و شهروندی اجتماعی عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آنها فراهم می‌آورد که شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد و خانواده‌های بیکار، فراهم آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه است. (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

از وجوه اصلی اندیشه مارشال این است که این نظریه نوعی وابستگی متقابل درباره حقوق شهروندی را بیان می‌کند. از نتایج مهم این دیدگاه این است که مشخصه برخورداری از هر شهروند از بنیان‌های فرهنگی شهروندی و بهره‌مند بودن از این حقوق در آن مطرح شده است. (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). شهروندی دارای ابعاد و قلمروهای مختلفی است که باید مورد توجه قرار گیرد. شهروندی که به بعد فرهنگی آراستگی دارد، میراث فرهنگی مشترکی را می‌شناسد و برای حقوق اجتماعی اقلیت‌ها احترام قائل است و به ارزش‌های فرهنگی جامعه پایبند است و در عین حال برای تحمیل این ارزش‌ها به افراد دیگر اقدام نمی‌کند. قلمرو سیاسی شهروندی،

حقوق است و اگر حقوق اجرا نشوند در واقع وجود نخواهند داشت. او تعهدات شهروندی را بر چهار نوع قانونی، سیاسی، اجتماعی و مشارکتی می‌داند. (ملاپور، ۱۳۹۰: ۶۱، ۶۲). از نظر ژانوسکی شهروندی، عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت-ملت با حقوق و تعهدات همگانی در یک سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد. به نظر او حقوق شهروندی نه حقوقی ضروری هستند و نه حقوقی تغییر ناپذیر. بلکه حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آنها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی هستند. از طرف دیگر این حقوق از فضیلت مدنی متمایزند.

ژانوسکی در تعریف جامعه مدنی، بر اثر متقابل گروه‌های داوطلب در فضای دولتی تأکید می‌کند. به نظر او جامعه مدنی فضایی برای یک گفت‌وگو عمومی واکنشی و پویا بین دولت، فضای عمومی شامل سازمان‌های داوطلبانه، و فضای بازار مرتبط به شرکت‌ها و اتحادیه‌های خصوصی را نمایش می‌دهد. اعضای این جامعه مدنی می‌توانند در این فضای گفت‌وگویی، ادعاها و مطالبات خود را مطرح کنند و شهروندی ایجاد کنند که درگیر در بحث و گفت‌وگو می‌باشند. وی برای بسط نظریه مارشال، چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند. او معتقد است که افزودن حقوق مشارکت به مدل سه تایی حقوق شهروندی، ما را قادر می‌سازد تا بهتر به تحلیل چانه زنی جمعی، شوراهای کارگری، اعتراض در محل کار و حقوق مشتری برای کنترل سازمان‌ها و بوروکراسی‌ها پردازیم. حال آن‌که مارشال چانه زنی و مذاکره درباره حقوق و وظایف را یک سیستم ثانوی شهروندی صنعتی در میان بخش‌های خصوصی می‌نامد. (ملاپور، ۱۳۹۰: ۶۱، ۶۲).

بر طبق نظریات ارایه شده در بالا سرمایه فرهنگی عاملی تاثیرگذار بر فرهنگ شهروندی دانسته شده به گونه‌ای که افزایش در میزان سرمایه عینی و سرمایه نهادی، میزان آگاهی شهروندان و تمایل‌شان برای اجرای تعهدات شهروندی

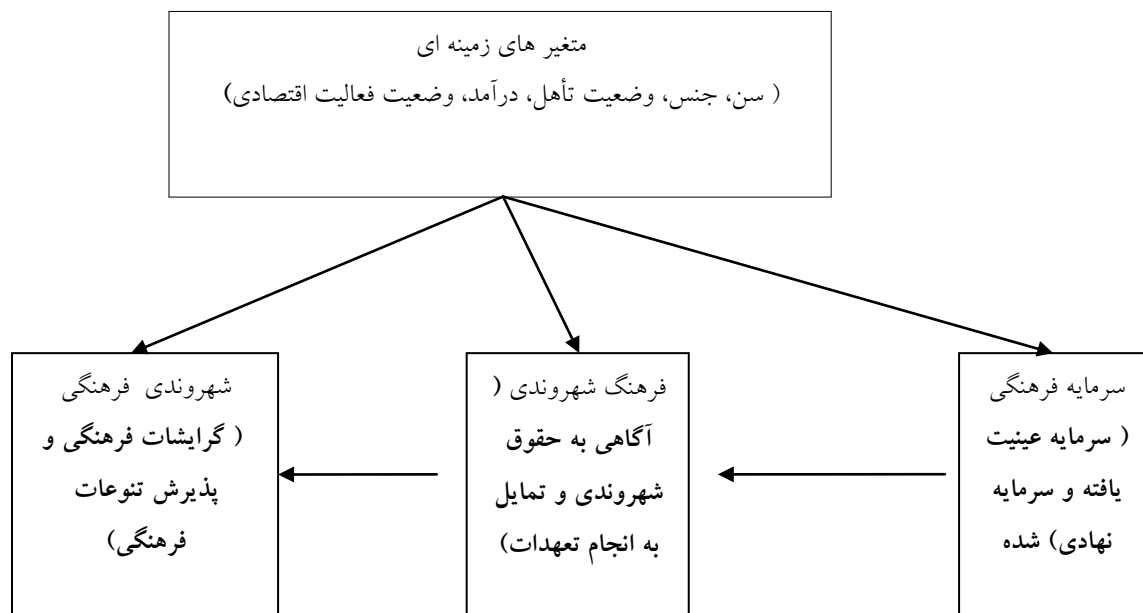
معتقد است که مارشال به تفاوت‌های نژادی، زبانی و مذهبی توجه نکرده و تنها به تمایز طبقاتی و ارتباط آن با سه حقوق مطرح شده اشاره می‌کند. بر این اساس فرهنگ شهروندی حلقه وصل همه طبقات اجتماعی با تأکید بر ارزش مشترک میان شهروندان شکل می‌گیرد. (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۷۴). ترنر، شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی دانسته که به افراد در یک جامعه شهری، هویت رسمی و قانونی داده است و این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی ریشه تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه شهری چون نظام قضایی، پارلمانی و دولت رفاه شده است. ترنر بر مبنای دیدگاه جامعه شناختی خود موضوع شهروندی فرهنگی را به نهادهای اجتماعی جامعه معطوف کرده که این نهادهای اجتماعی هر کدام بیان‌کننده نوع خاصی از حقوق شهروندی و الزاماتی است که شهروندان باید نسبت به انجام آن حقوق در یک نظام سیاسی انجام دهند فرهنگ شهروندی را تشریح می‌کند. ترنر به نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد و معتقد است آگاهی از حقوق در میان اقوام مختلف متفاوت است. در بین شرایط اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه نمود چرا که همچون واسطه‌ای آگاهی اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۷-۹).

ترنر شهروندی را به جای تعریف در چارچوب حقوق و تعهدات، آن را به صورت فرایند تصور می‌کند و شامل دو فرایند برخورداری و فرایند محرومیت می‌داند. فرایند برخورداری از طریق باز تخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می‌گردد و فرایند محرومیت از طریق ساخت یک هویت مشترک، دیگران را از مزایای شهروندی محروم می‌سازد.

از طرفی ژانوسکی «به طور همزمان بر حقوق و مسئولیت‌های شهروندی تأکید دارد، زیرا حقوق برای اجرایی شدنش به تعهدات نیازمند است، به عبارتی تعهدات اجراکننده

آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تمایل برای انجام تعهدات شان باعث می‌شود شهروندان تمایل بیشتری برای پذیرش تنوعات فرهنگی و گرایش‌های فرهنگی داشته باشند.

افزایش می‌یابد و بین این دو متغیر رابطه همبستگی وجود دارد. همچنین بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی نیز رابطه همبستگی در نظر گرفته شده یعنی با افزایش میزان



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق (نگارنده)

روش‌شناسی

در این تحقیق، از روش پیمایش از نوع کاربردی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر تنکابن بوده است؛ طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، تعداد کل افراد جامعه مورد مطالعه ۴۳۸۴۲ نفر بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران کمی با توجه به واریانس که از طریق پیش‌آزمون بدست آمده است، برابر با ۶۵۰ نفر انتخاب شدند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. با توجه به تعداد نمونه و جمعیت مناطق شهری به صورت تصادفی تعدادی از افراد به عنوان جمعیت نمونه از محلات مختلف شهر انتخاب گردیده و اطلاعات مورد نیاز از شهروندان با استفاده از تکنیک پرسشنامه مصاحبه‌ای (خود محقق ساخته) جمع‌آوری شده است. سنجش سوالات پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت بوده است و مرکب از ۴۷ سوال، که پاسخگویان

به صورت بی‌نام اقدام به پر کردن آن کرده‌اند. در این تحقیق پس از تکمیل پرسشنامه در یک نمونه ۳۵ نفری اقدام به احتساب ضریب آلفای کرونباخ مقیاس پرسشنامه گردیده است و گویه‌های نامناسب حذف و مجدداً محاسبه صورت گرفته است. یافته‌های پاسخگویان براساس آمار توصیفی و استنباطی و با به کارگیری از نرم افزار Spss22 و با استفاده از آماره‌هایی چون: رگرسیون، ضریب پیرسون، χ^2 کرامر آزمون T و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین قبل از فرایند تحلیل استنباطی وضعیت نرمال بودن متغیرهای اصلی تحقیق به وسیله آزمون کلموگروف - اسمیرنوف بررسی شده است.

حجم نمونه این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران کمی و با احتساب واریانس در سطح دقت ۵٪، سطح اطمینان ۹۵٪ و واریانس ۰/۶۶ به تعداد ۶۵۰ نفر محاسبه گردیده است.

$$n = \frac{Nt^2 + S^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{43842 \times (3.841) \times (0.43)}{43842 \times (0.0025) + (3.841) \times (0.43)} = 650$$

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های اصلی

۱) به نظر می‌رسد بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی رابطه وجود دارد.

۲) به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی رابطه وجود دارد.

۳) به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱- به نظر می‌رسد بین سن پاسخگویان و شهروندی فرهنگی، رابطه وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی پاسخگویان و شهروندی فرهنگی رابطه وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین درآمد پاسخگویان و شهروندی فرهنگی رابطه وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین سن و برخورداری از فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.

۵- به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی پاسخگویان و برخورداری از فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.

۶- به نظر می‌رسد بین درآمد پاسخگویان و برخورداری

از فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.

۷- به نظر می‌رسد بین سن پاسخگویان و میزان سرمایه فرهنگی آنها رابطه وجود دارد.

۸- به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی پاسخگویان و میزان سرمایه فرهنگی آنها رابطه وجود دارد.

۹- به نظر می‌رسد بین درآمد پاسخگویان و میزان سرمایه فرهنگی آنها رابطه وجود دارد.

۱۰- به نظر می‌رسد میانگین میزان برخورداری از شهروندی فرهنگی در بین مجردین و متأهلین متفاوت است.

۱۱- به نظر می‌رسد میانگین میزان برخورداری از فرهنگ شهروندی در بین مجردین و متأهلین متفاوت است.

۱۲- به نظر می‌رسد میانگین میزان برخورداری از سرمایه فرهنگی در بین مجردین و متأهلین متفاوت است.

۱۳- به نظر می‌رسد میانگین میزان برخورداری از شهروندی فرهنگی در بین زنان و مردان متفاوت است.

۱۴- به نظر می‌رسد میانگین میزان برخورداری از فرهنگ شهروندی در بین زنان و مردان متفاوت است.

۱۵- به نظر می‌رسد میانگین میزان برخورداری از سرمایه فرهنگی در بین زنان و مردان متفاوت است.

تعاریف عملیاتی

جدول ۱- مفهوم متغیر های سرمایه فرهنگی، شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی

متغیر	تعریف اسمی	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها	گویه‌ها
سرمایه فرهنگی (متغیر)	سرمایه نهادی بنده	نوعی رسمیت	منظور مدارک و مدارج	
		بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد مانند مدارک تحصیلی و علمی-فرهنگی	میزان تحصیلات والدین	سطح تحصیلات پدر سطح تحصیلات مادر
سرمایه عینیّت یافته	میان افراد جامعه	میزان مصرف کالاهای فرهنگی در نظیر رسانه‌ها جمعی مورد توجه	این سرمایه در اشیای مادی،	میزان مطالعه
		است	سینما و تئاتر	میزان گوش دادن به رادیو میزان استفاده از اینترنت
		میزان مصرف کالاهای فرهنگی در نظیر رسانه‌ها جمعی مورد توجه	اینترنت	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی
		است	رادیو	میزان تماشای شبکه‌های داخلی
			تلویزیون	تلویزیون
				میزان تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای
				تلویزیون

مفهوم متغیر ها

متغیر	تعریف اسمی	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها	پرسش‌ها
فرهنگ شهروندی (متغیر واسطه)	آگاهی از حقوق شهروندی	شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری ها در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهدات شان است	الف- حقوق مدنی	لزوم برخورداری مسلمانان از امتیازات ویژه به علت در اکثریت بودن آنها در ایران
				برخورداري برخی اقوام از امتیازات ویژه امکان انتشار نشریه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی
		افراد در ذهن خود در مورد حقوق و تعهدات شهروندی چه چیز هایی می دانند و میزان آگاهی شان از حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چقدر است و برخورداری از چه چیز هایی را حق خود می دانند	ب- حقوق سیاسی	ضرورت انعکاس انتقادات و نظرات مردم در رسانه‌های جمعی
				لزوم رعایت احترام به شأن و منزلت همه افراد جامعه
			حق رأی مساوی برای همه شهروندان	لزوم انتقاد پذیری از سوی دولت
				حضور آزادانه افراد جامعه برای انتخاب نمایندگانشان
			تشکیل اجتماعات، انجمن‌ها و احزاب	بهره مندی افراد جامعه از حق تشکیل اجتماعات، انجمن‌ها و احزاب
				آزادی برای افراد در عضویت حزب و دسته

عضویت در احزاب و دسته‌ها	برخوردارانی همه مردم شهر و روستا از امکانات
ج- حقوق اجتماعی	مناسب و کافی آموزشی، بهداشتی، بیمه و مسکن
برخوردارانی از امکانات	وجود فرصت یکسان و برابر برای همه افراد جامعه
آموزشی، بهداشتی، بیمه و مسکن	برای رشد و پیشرفت
فرصت‌های یکسان برای رشد و پیشرفت	داشتن شغل مناسب، حق بیمه بیکاری و فرصت
برای همه	تحصیل برای همه افراد جامعه
داشتن شغل، برخوردارانی از حق بیمه	امکان بهره‌مندی همه افراد از کالاهای فرهنگی مانند
و فرصت تحصیل	رسانه‌ها، کتاب‌ها و...
د- حقوق فرهنگی	حق تعلق افراد به فرهنگ‌های خاص و سهم شدن
بهره‌مندی از کالاهای فرهنگی	آنها در شکوفایی فرهنگ‌ها
مانند رسانه‌ها، کتاب‌ها و...	برخوردارانی همه افراد از حقوق فرهنگی مانند
تعلق افراد به فرهنگ خاص و سهم شدن	تألیف کتاب، اختراع و...
در شکوفایی آن	برخوردارانی از حق حفاظت از زبان به عنوان نماد
برخوردارانی از حقوق فرهنگی مانند	فرهنگی خاص برای اقوام
تألیف، اختراع‌ها و...	حق اعتقاد و عمل بر اساس دینی که هر فرد به آن
حفاظت از زبان به عنوان نماد فرهنگی	اعتقاد دارد
خاص برای اقوام.	
اعتقاد و عمل به دینی که افراد به آن اعتقاد	
دارند.	

عدم تمسخر اقوام دیگر (ترک، کرد، عرب، لر و...)	عدم تمسخر یا شوخی نکردن با افراد متعلق به قوم‌های دیگر از جمله ترک، عرب، لر، و... در خصوص زبان یا برخی ویژگی‌های رفتاری شان.
پذیرش و برقراری ارتباط با افرادی غیر هم دین	تمایل به پذیرش یا برقراری ارتباط با فردی که هم مسلک و هم دین نبوده است.
تحمل شنیدن دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مخالف	شنیدن و تحمل دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مخالف دیدگاه‌تان.
مشارکت در امور عام المنفعه و امور خیریه داوطلبانه بدون مزد	مشارکت کردن در امور عام المنفعه مانند خیریه‌ها و انجام دادن فعالیت‌های داوطلبانه و بدون مزد برای کمک به هم نوعان.
روی نیاوردن به پارتی بازی	روی نیاوردن به پارتی بازی و سفارش گرفتن در مواردی مانند اشتغال یا انجام کارهای اداری.
عدم موضع‌گیری در مقابل انتقاد دیگران	عدم موضع‌گیری یا برخورد سریع نداشتن در مقابل دیگران نسبت به عملکرد و رفتارشان

تمایل به انجام تعهدات شهروندی
 یک احساس مستقیم از عضویت اجتماعی براساس وفاداری به مدنیته است که یک دارای
 عمومی محسوب می‌شود
 وضعیتی احساسی، شناختی و رفتاری که در شهروند التزامی نسبت به جمع نقش‌ها،
 هنجارها و ارزش‌ها ایجاد می‌کند و فرد با انتظارات دیگران سازگار شده و به وظایف
 و تکالیف خود عمل می‌کند

متغیر	تعریف اسمی	تعریف عملیاتی	شاخص‌ها	پرسش‌ها
بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی	بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی شهروندان که با یکدیگر متمایزاند.	بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی شامل تفاوت در زبان، نژاد، قومیت، دین، سنت‌های فرهنگی از جانب شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - برگزاری مراسم مذهبی از سوی اقلیت‌ها و غیر مسلمان‌ها - حق استفاده از زبان و فرهنگ قومی - حق مشارکت اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی در امورسیاسی، اجتماعی و فرهنگی - رعایت حقوق شهروندی دیگران - احترام به افراد با نژادها و زبان‌های مختلف - پذیرش یکسان و برابر افراد برخوردار از عقاید و مواضع مختلف از سوی مسئولین 	<ul style="list-style-type: none"> - برگزاری آزاد مراسم مذهبی از سوی اقلیت‌ها و غیر مسلمان‌ها - برخورداری کافی و آزاد در استفاده از زبان و فرهنگ قومی - مشارکت اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - رعایت حقوق شهروندی دیگران - احترام به افراد مختلف از نژادها و زبان‌های دیگر در جامعه - پذیرش یکسان و برابر افراد برخوردار از عقاید و مواضع مختلف از سوی مسئولین جامعه
بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی	بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی شهروندان که با یکدیگر متمایزاند.	بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی شامل تفاوت در زبان، نژاد، قومیت، دین، سنت‌های فرهنگی از جانب شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - پذیرش نظر مخالف یک خانم - نوع مصرف اطرفیان (به قدر نیاز و ضرورت) - رعایت قوانین رانندگی و احترام گذاشتن به دیگر رانندگان - دفاع از یک شهروند دیگر در زمان مشاهده پایمال شدن حق آن شخص - تبلیغ معیارهای انسانی و فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> - اگر یک خانم در بین همسایه‌ها، دیدگاه مخالفی نسبت به شما داشته باشد، واقعاً چقدر او را تحمل کرده اید؟ - چقدر احساس می‌کنید نوع مصرف اطرفیانتان، به قدر نیاز و ضرورت است، بطوری که از زیاده روی پرهیز شده؟ - وقتی خود یا اطرفیانتان رانندگی می‌کنید چقدر به فکر رانندگان دیگر و احترام به آنها در عبور و مرور بوده اید؟
بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی	بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی شهروندان که با یکدیگر متمایزاند.	بپذیرش تفاوت‌های فرهنگی شامل تفاوت در زبان، نژاد، قومیت، دین، سنت‌های فرهنگی از جانب شهروندان	<ul style="list-style-type: none"> - در جامعه ما که احترام به انسان‌ها جزء اصول دینی و ملی پذیرفته شده است، اگر شاهد پایمال شدن حق یا بی‌احترامی نسبت به یک شهروند بوده اید، چقدر به دفاع از او برخاسته اید؟ - چقدر به تبلیغ معیارهای انسانی و فرهنگی مانند رعایت حقوق معلولان و کمک جدی به نیازمندان در میان نزدیکان پرداخته اید؟ 	<ul style="list-style-type: none"> - در جامعه ما که احترام به انسان‌ها جزء اصول دینی و ملی پذیرفته شده است، اگر شاهد پایمال شدن حق یا بی‌احترامی نسبت به یک شهروند بوده اید، چقدر به دفاع از او برخاسته اید؟ - چقدر به تبلیغ معیارهای انسانی و فرهنگی مانند رعایت حقوق معلولان و کمک جدی به نیازمندان در میان نزدیکان پرداخته اید؟

برای تعیین اعتبار پرسشنامه نیز از روش روایی صوری استفاده شده به این صورت که پرسشنامه تهیه شده، توسط اساتید متخصصان مربوطه مورد تأیید قرار گرفته است؛ از سوی دیگر، اعتبار پرسشنامه مذکور مبتنی بر چارچوب نظری و نیز برخورداری از اعتبار در نمونه‌گیری بدست آمده است.

میزان آلفای کرونباخ هر یک از متغیرهای تحقیق در جدول ۲ بیان شده است که بیانگر مقدار مطلوب پایایی و ثبات درونی پرسشنامه است. به دلیل استفاده از سازه‌های شهروندی فرهنگی، فرهنگ شهروندی و سرمایه فرهنگی گزارش تحلیل عاملی (اعتبار سازه‌ای) نیز در جدول ۲ برای هر سه سازه

آمده است. با توجه به جدول زیر همان طور که مشاهده می‌شود مقدار آزمون KMO برای شاخص شهروندی فرهنگی برابر با ۰/۷۸۹ می‌باشد پس داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل زیر بنایی و بنیادی می‌باشند. همچنین نتیجه آزمون بارتلت (۵۱۷/۵۴۱) که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نمی‌باشد؛ به عبارتی از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی بالایی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود که نشان از اعتبار این سازه می‌باشد. همچنین مقدار آزمون KMO برای

شاخص‌های فرهنگ شهروندی (۰/۷۱۱) و سرمایه فرهنگی (۰/۶۹۹) بدست آمده است که می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها در هر دو شاخص قابل تقلیل به تعدادی عوامل بنیادی هستند و نتیجه آزمون بارتلت نیز در هر دو سازه فرهنگ شهروندی و سرمایه فرهنگی در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است نشان از این دارد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها همانی و واحد نمی‌باشد، از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی متوسط و خوبی وجود دارد و از طرف دیگر بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود که نشان از اعتبار این سازه‌ها در تحقیق دارد.

جدول ۲- آلفای کرونباخ و گزارش تحلیل عاملی (اعتبار سازه‌ای) متغیرها

متغیرها	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا	KMO	بارتلت	احتمال معناداری
پذیرش تنوعات فرهنگی	۶	۰/۷۵	-	-	-
گرایشات فرهنگی	۵	۰/۷۱	-	-	-
شهروندی فرهنگی	۱۱	۰/۷۳	۰/۷۸۹	۵۱۷/۵۴۱	۰/۰۰۰
تمایل به انجام تعهدات	۶	۰/۷۵	-	-	-
آگاهی از حقوق شهروندی	۱۹ در ۴ بعد	۰/۷۹	-	-	-
فرهنگ شهروندی	۲۵	۰/۷۷	۰/۷۱۱	۱۵۷۸/۷۵۱	۰/۰۰۰
سرمایه نهادی شده	۳	۰/۷۰	-	-	-
سرمایه عینیت یافته	۸	۰/۷۲	-	-	-
سرمایه فرهنگی	۱۱	۰/۷۰	۰/۶۹۹	۵۶۰/۸۳۴	۰/۰۰۰

یافته‌های نتایج

تحلیل توصیفی

در تحقیق حاضر از بین شاخص‌های آمار توصیفی به یاری شاخص‌های فراوانی، درصد نسبی، میانگین متغیرها نتایج قابل توجهی را به دست آمده است. در این تحقیق مهمترین

متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت اقتصادی و درآمد به عنوان متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته شده که نتایج در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول ۳- ویژگی‌های جمعیت شناختی (متغیرهای زمینه‌ای)

جنس	زن: ۴۶/۵ درصد	مرد: ۵۳/۵ درصد
سن	بیشترین: ۴۳/۶ درصد افراد ۲۶ - تا ۳۵ سال	کمترین: ۸/۱ درصد افراد ۵۶ - ۶۴ سال
وضعیت تأهل	مجرد: ۵۲/۸ درصد	متأهل: ۴۷/۲ درصد
درآمد	بیشترین مردان با ۴۸/۳ درآمد ۴۰۱ هزار تا ۸۰۰ هزار تومان	کمتری زنان ۳۳/۱۷ بدون درآمد

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت فعالیت اقتصادی

نوع اشتغال	مرد		زن		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
محصل	۰	۰	۹	۲/۳	۹	۱/۷۸
دانشجو	۷۱	۲۱/۴	۴۸	۱۰/۶۵	۱۱۹	۱۱/۲۳
شاغل	۲۱۸	۶۶/۶۵	۱۱۱	۴۴/۵۲	۳۲۹	۶۶/۲۵
خانه‌دار	۰	۰	۱۰۵	۳۴/۴۲	۱۰۵	۱۰/۶۶
بیکار	۲۶	۶/۷۳	۲۲	۴/۷۴	۴۸	۶/۱۴
بازنشستگان	۲۵	۵/۲۲	۱۰	۲/۳۶	۳۵	۳/۲۵
بی‌پاسخ	۰	۰	۵	۱/۰۱	۵	۰/۶۹
کل	۳۴۰	۱۰۰	۳۱۰	۱۰۰	۶۵۰	۱۰۰

درآمدشان در گروه ۴۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان و ۳۳/۱۷ زنان بدون درآمد و حدود ۲۷٪ از زنان بین ۴۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان بوده در این میان حدود ۶۶/۶۵ مردان و ۴۴/۵۲ زنان شاغل‌اند.

یافته‌های جداول فوق نشان می‌دهند حدود ۵۳/۵٪ پاسخگویان مرد و حدود ۴۶/۵٪ زن بوده‌اند، بیشترین درصد پاسخگویان در گروه سنی ۲۶-۳۵ سال قرار دارد و ۴۸/۳ از مردان

جدول ۵- شاخص‌های آماری سرمایه فرهنگی، شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی

سرمایه فرهنگی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
شهروندی فرهنگی	۶۵۰	۷۷/۶	۲۰/۳۱	۲۳	۵۵
فرهنگ شهروندی	۶۵۰	۶۹/۴۳	۲۰/۱۳	۱۶	۵۵
فرهنگ شهروندی	۶۵۰	۷۶/۴۵	۱۸/۳۲	۲۸	۱۲۰

با توجه به میانگین متغیر شهروندی فرهنگی که برابر با ۶۹/۴۳ می‌باشد و با وجود ۱۱ گویه برای سنجش آن کمترین مقدار ۱۶ و بیشترین مقدار ۵۵ بدست آمده است باید گفت شهروندان از شهروندی فرهنگی خوب و در حد متوسطی برخوردارند. نتایج شاخص‌های آماری در متغیر فرهنگ شهروندی نیز نشان می‌دهد که میانگین برابر با ۷۶/۴۵ و انحراف معیار ۱۸/۳۲ و با وجود ۲۵ گویه برای سنجش آن کمترین مقدار ۲۸ و بیشترین مقدار ۱۲۰ بدست آمده است که

جدول فوق، شاخص‌های آماری متغیرهای سرمایه فرهنگی، شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی را نشان می‌دهد، میانگین متغیر سرمایه فرهنگی برابر با ۷۷/۶، که با توجه به وجود ۱۱ گویه برای سنجش آن کمترین مقدار برابر با ۲۳ و بیشترین مقدار برابر با ۵۵ بدست آمده است، همچنین این متغیر دارای انحراف معیار ۲۰/۳۱ می‌باشد. با توجه به میانگین متغیر سرمایه فرهنگی باید اذعان نمود شهروندان تنکابنی از سرمایه فرهنگی در سطح خوبی برخوردار هستند.

می توان گفت شهروندان در تنکابن از فرهنگ شهروندی خوبی نیز برخوردارند.

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سرمایه فرهنگی، فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی و مؤلفه های آنها

شاخص ها	مقادیر	زیاد	تا حدودی	کم	میانگین	انحراف معیار
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	فراوانی	۳۲۳	۲۱۴	۱۱۳	۲/۰۱	۱/۱
	درصد	۴۰/۱۳	۳۲/۴۹	۲۷/۳۸		
سرمایه فرهنگی نهادی شده	فراوانی	۱۱۶	۲۳۳	۳۰۱	۱/۸۹	۱/۰۱
	درصد	۱۴/۸۱	۳۵/۲۹	۴۹/۹		
سرمایه فرهنگی	فراوانی	۳۲۲	۱۱۷	۲۱۱	۷۷/۶	۲۰/۳۱
	درصد	۴۲/۲۰	۲۴/۷۴	۳۳/۰۶		
میزان آگاهی از حقوق شهروندی	فراوانی	۱۴۸	۲۸۷	۲۱۵	۲/۴۱	۱/۱
	درصد	۲۳/۳۷	۴۰/۳	۳۶/۳۳		
تمایل به انجام تعهدات	فراوانی	۱۷۰	۳۵۰	۱۳۰	۱/۳۶	۱/۰۲
	درصد	۳۳/۳۶	۴۲/۳۴	۲۴/۳		
فرهنگ شهروندی	فراوانی	۲۳۲	۳۴۵	۷۳	۷۶/۴۵	۱۸/۳۲
	درصد	۳۲/۴۴	۴۸/۱	۱۹/۵۵		
گرایشات فرهنگی	فراوانی	۲۰۵	۲۸۰	۱۶۵	۲/۱۱	۱/۰۰
	درصد	۳۶/۰۵	۴۱/۱۵	۲۲/۸		
پذیرش تنوعات فرهنگی	فراوانی	۱۵۹	۲۰۰	۲۹۱	۲/۰۳	۱/۰۰۱
	درصد	۲۱/۲۳	۳۲/۱۹	۴۶/۵۸		
شهروندی فرهنگی	فراوانی	۳۳۳	۲۱۰	۱۰۷	۶۹/۴۳	۲۰/۱۳
	درصد	۴۷/۲	۳۰	۲۲/۸		

پاسخگویان است، میزان تحصیلات بیشتر را نشان سرمایه فرهنگی نهادی بیشتر در نظر گرفته شده است. نتایج حاکی از آن است که ۴۹/۹ درصد سرمایه نهادی کم (تحصیلات پایین تر)، ۳۵/۲۹ درصد سرمایه فرهنگی نهادی شده تا حدودی ارزیابی شده است و ۱۴/۸۱ درصد در سطح زیاد سرمایه فرهنگی نهادی شده ارزیابی شده است.

متغیر بعدی فرهنگ شهروندی (متغیر مستقل) است که در جدول ۶ به دو بخش آگاهی از حقوق شهروندی و تمایل به انجام تعهدات شهروندی تقسیم شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که حدود ۴۰/۳ درصد از شهروندان تا حدودی آگاهی از حقوقشان دارند و تنها حدود ۲۳/۳۷ درصد آگاهی خود را از حقوقشان زیاد ارزیابی می‌کنند. در حقیقت میانگین

جدول ۶ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب سه متغیر اصلی نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که بیشتر شهروندان مورد بررسی ۴۲/۲۰ درصد شان در سطح زیاد از سرمایه فرهنگی برخوردارند و ۲۴/۷۴ درصد نیز تا حدودی، در نتیجه سطح میانگین سرمایه فرهنگی متوسط رو به بالا است. برای مطالعه سرمایه عینیت یافته از شاخص های میزان مطالعه، استفاده از شبکه‌های تلویزیونی، رادیو، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و مراجعه به سینما و تئاتر استفاده شده و نتایج نشان می‌دهد در حدود ۴۰/۱۳ درصد از پاسخگویان زیاد از کالاهای فرهنگی استفاده می‌کنند و ۳۲/۴۹ درصد تا حدودی از سرمایه فرهنگی عینیت یافته برخوردارند. در بررسی جدول سرمایه نهادی که شاخص سنجش آن بررسی سطح تحصیلات والدین و

فرهنگی بالایی برخوردار بودند. به نظر می‌رسد پاسخگویان به طور کلی پذیرای حضور شهروندانی که با آن‌ها در زبان، مذهب و فرهنگ‌های قومی متفاوت اند، باشند. مقدار میانگین و انحراف معیار هر یک از متغیرها به همراه مؤلفه‌هایشان در جدول ۶ آمده است.

آزمون فرضیات تحقیق

از آنجایی که سطح سنجش متغیرهای اصلی مورد بررسی فاصله‌ای بوده لذا از آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه سه متغیر و آزمون رگرسیون برای میزان تأثیر متغیر مستقل (فرهنگ شهروندی) و متغیر واسطه (سرمایه فرهنگی) بر روی متغیر وابسته (شهروندی فرهنگی) استفاده شده است. با توجه به اینکه برای بررسی فرضیات، هر سه متغیر از شاخص (سازه) استفاده شده است و در سطح سنجش فاصله‌ای بوده اند لذا داده‌ها به توزیع نرمال نزدیک بوده اند. برای اطمینان بیشتر از نرمال بودن متغیرها اقدام به احتساب آزمون کولموگروف - اسمیرنوف شده است. در جدول ذیل نتایج این آزمون آورده شده است. مقدار آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای تطابق توزیع نمونه با توزیع نظری غیر معنی دار بوده است بنابراین توزیع متغیرهای مورد نظر نرمال بوده است.

آگاهی پاسخگویان متوسط رو به پایین است. در بین پاسخگویان نیز ۴۲/۳۴ درصد میزان انجام تعهدات خود را در سطح تا حدودی و ۳۳/۳۶ درصد در سطح زیاد ارزیابی کرده‌اند. به عبارتی میانگین افرادی که به انجام تکالیف خود نسبت به سایر شهروندان جامعه تمایل دارند متوسط رو به بالا است. داده‌های این دو متغیر نشان می‌دهد پاسخگویان مورد نظر بیشتر به انجام وظایف و تکالیف‌شان تمایل دارند و لی آگاهی‌شان نسبت به حقوقی که دارند کم است ولی در مجموع طبق داده‌های بدست آمده نزدیک به نیمی از شهروندان ۴۸/۱ درصد تا حدودی از فرهنگ شهروندی برخوردار بوده و ۳۲/۴۴ درصد از فرهنگ شهروندی بالایی برخوردارند که این حاکی از آن است شهروندان مورد مطالعه تا حدودی دارای احساس تعهد و احترام نسبت به یکدیگر هستند و همچنین حقوق و تعهدات شهروندی را تشخیص می‌دهند.

یافته‌های مربوط به متغیر جدول شهروندی فرهنگی نیز نشان می‌دهد که شهروندان ۶۷/۵۸ درصد به میزان کم پذیرای تفاوت‌های فرهنگی هستند و ۳۲/۱۹ درصد تا حدودی تفاوت‌های فرهنگی را در میان یکدیگر می‌پذیرند و همچنین تقریباً ۴۱/۱۵ درصد شهروندان تا حدودی دارای گرایش‌های فرهنگی‌اند و ۳۶/۰۵ نیز از گرایش‌های فرهنگی بالایی برخوردارند ولی در مجموع ۴۷/۲ درصد شان از شهروندی

جدول ۷- آزمون توزیع نرمال داده‌ها

متغیرها	K-S	sig
شهروندی فرهنگی	۰/۹۴	۰/۸۸
فرهنگ شهروندی	۰/۶۷	۰/۲۱
سرمایه فرهنگی	۰/۹۷	۰/۰۹۷

جدول ۸- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نوع آزمون	نتیجه آزمون	نوع رابطه
فرهنگ شهروندی	شهروندی فرهنگی	۰/۴۶۳	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید	مستقیم
سرمایه فرهنگی	شهروندی فرهنگی	۰/۱۲	۰/۰۶۲		عدم تأیید	-
سرمایه فرهنگی	فرهنگ شهروندی	۰/۲۱۸	۰/۰۰۱		تأیید	مستقیم

متغیر شهروندی فرهنگی، پذیرش تفاوت های فرهنگی و گرایشات فرهنگی افراد تغییری ایجاد نکرده است.

در فرضیه سوم میزان همبستگی سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ و شدت رابطه ۰/۲۱۸ نشان دهنده همبستگی مثبت و متوسطی بین دو متغیر است. همبستگی این دو متغیر از لحاظ آماری معنی دار است و می توان گفت فرضیه سوم این مقاله با ۹۵٪ اطمینان مورد تایید قرار گرفته و فرضیه صفر رد شده است. بنابراین بر طبق مبانی نظری موجود با افزایش میزان سرمایه فرهنگی افراد میزان فرهنگ شهروندی شان تغییر خواهد کرد. در این تحقیق سرمایه فرهنگی بر اساس نظریه پیر بوردیو مورد بررسی قرار گرفته و دو بعد عینیت یافته و نهادی شده آن مدنظر است داده ها نشان می دهد با تغییر در میزان استفاده از کالاهای فرهنگی مانند کتاب، مجلات تلویزیون (شبکه های داخلی و ماهواره ای)، رادیو، اینترنت، شبکه های اجتماعی و... (سرمایه فرهنگی عینیت یافته) و میزان تحصیلات والدین و خود پاسخگویان (سرمایه نهادی شده) بر فرهنگ شهروندی پاسخگویان تغییراتی ایجاد کرده است ولی شدت این ارتباط و تغییر نیز در حد کم و متوسط است. با افزایش سرمایه عینیت یافته و سرمایه نهادی شده، میزان آگاهی شهروندان مورد مطالعه از حقوقی که در جامعه خود دارند و میزان تمایل شان برای انجام وظایف و تکالیف خود در جامعه نیز افزایش میابد. در حقیقت هر چه افراد جامعه از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار باشند بهتر می توانند در جامعه ای که در آن زندگی می کنند عمل نمایند. بنابراین تغییرات در متغیر سرمایه فرهنگی) باعث ایجاد نوسان در متغیر فرهنگ شهروندی شده است و فرض تحقیق تأیید می شود.

متغیرهای سن، جنس، درآمد، تأهل و وضعیت فعالیت اقتصادی جزء متغیرهای زمینه ای بوده و رابطه آنها با متغیرهای اصلی تحقیق، شهروندی فرهنگی، فرهنگ شهروندی و سرمایه فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته اند. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی نشان می دهد با سطح معنی داری ۰/۰۵ همبستگی مثبت با شدت متوسط و رو به پایین (۰/۲۱) بین

جدول فوق میزان و شدت رابطه میان متغیر های اصلی تحقیق (فرهنگ شهروندی، شهروندی فرهنگی و سرمایه فرهنگی) را نشان می دهد. در فرضیه اول (به نظر می رسد بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی رابطه وجود دارد) میزان همبستگی بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی با سطح معنی داری ۰/۰۰۱ و شدت رابطه ۰/۴۶ نشان دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کوچک تر از ۰/۰۵ است بنابراین نتیجه می شود که رابطه معناداری بین فرهنگ شهروندی و متغیر وابسته شهروندی فرهنگی وجود دارد. جهت رابطه مثبت و مستقیم است، یعنی با افزایش فرهنگ شهروندی شهروندان میزان تعهدات و گرایشات فرهنگی آنها (شهروندی فرهنگی) آنان نیز افزایش می یابد بدین مفهوم که تغییرات در متغیر مستقل (فرهنگ شهروندی) باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته (شهروندی فرهنگی) خواهد شد. پس فرض تحقیق تأیید می شود.

در فرضیه دوم رابطه بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی بررسی شده است. با توجه به ضریب همبستگی کل بین میزان سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی برابر ۰/۱۲ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۶۲ است که نشان از عدم رابطه بین دو متغیر دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ است بنابر این نتیجه می شود رابطه معنا داری بین سرمایه فرهنگی و شهروندی فرهنگی شهروندان وجود ندارد پس فرضیه تحقیق رد و فرض صفر (عدم رابطه) تأیید می شود. این فرضیه نشان می دهد، سرمایه فرهنگی علیرغم تاثیرگذاری بر فرهنگ شهروندی، نتوانسته به طور مستقیم بر متغیر شهروندی فرهنگی تاثیرگذار باشد. یعنی با افزایش میزان سرمایه فرهنگی افراد میزان شهروندی فرهنگی آنان، تغییری نمی کند، و تغییر در میزان استفاده از کالاهای فرهنگی مانند کتاب، مجلات تلویزیون (شبکه های داخلی و ماهواره ای) رادیو، اینترنت، شبکه های اجتماعی و... (سرمایه فرهنگی عینیت یافته) و میزان تحصیلات والدین و خود پاسخگو (سرمایه نهادی شده) بر

همبستگی بین درآمد و سرمایه فرهنگی در سطح متوسط و بالا (۰/۳۲) و مثبت معناداری (۰/۰۰۰) نشان داده است. به عبارتی با بالا رفتن درآمد میزان سرمایه فرهنگی شهروندان نیز افزایش می‌یابد. جدول زیر بیانگر این روابط است. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۹ مشاهده شده که بین نوع فعالیت اقتصادی افراد و شهروندی فرهنگی و فرهنگ شهروندی و سرمایه فرهنگی با شدت مختلف با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و با ۹۵ درصد اطمینان رابطه معناداری وجود دارد و مورد تأیید است به گونه‌ای که فرضیه H0 رد شده و فرضیه H1 پذیرفته شده است و شدت رابطه بین آنها به ترتیب برابر ۰/۲۳، ۰/۱۴ و ۰/۲۰ است که شدت همبستگی متوسطی را نشان می‌دهد. بنابر این با ایجاد تغییر در نوع فعالیت اقتصادی پاسخگویان، متغیرهای شهروندی فرهنگی، فرهنگ شهروندی و سرمایه فرهنگی نیز تغییر می‌کنند.

سن و متغیر شهروندی فرهنگی وجود دارد ولی با متغیر فرهنگ شهروندی همبستگی بین دو متغیر دیده نمی‌شود. بدین معنا که افزایش میزان سن در بین پاسخگویان با افزایش در میزان شهروندی فرهنگی در بین آنها همبستگی دارد ولی با فرهنگ شهروندی چنین رابطه همبستگی ایجاد نشده است (سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵). بین میزان درآمد و متغیر شهروندی فرهنگی نیز با شدت ضعیف و با سطح معنی‌داری ۰/۰۱ رابطه همبستگی ضعیفی (۰/۱۵) دیده شده به طوری که افرادی که دارای درآمد بالاتری هستند از شهروندی فرهنگی بالاتری برخوردارند و یک همبستگی مثبت در بین آنها مشاهده می‌شود ولی درآمد با متغیر فرهنگ شهروندی با سطح معنی‌داری ۰/۰۴ با شدت ضعیف (۰/۱۱) همبستگی منفی دیده شد به طوری که افراد با درآمد بیشتر از فرهنگ شهروندی کمتری برخوردار بوده‌اند. بین متغیر سن با متغیر سرمایه فرهنگی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و با شدت متوسط و منفی (۰/۲۱) همبستگی به نسبت ضعیفی دیده شده است ولی

جدول ۹- بررسی ضریب همبستگی متغیرهای زمینه‌ای با متغیر فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی و سرمایه فرهنگی

نوع آزمون	سرمایه فرهنگی		فرهنگ شهروندی		شهروندی فرهنگی		سن	درآمد	وضعیت فعالیت اقتصادی
	شدت رابطه	معنی‌داری	شدت رابطه	معنی‌داری	شدت رابطه	معنی‌داری			
پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۲۱۳	۰/۰۸	۰/۰۵۳	۰/۲۱			
پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۰/۰۴	-۰/۱۱	۰/۰۱۸	۰/۱۵			
۷ کرامر	۰/۰۰۰	۰/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰۰	۰/۲۳۱			

یکدیگر داشته‌اند. بدین معنا که زنان بیشتر از مردان از شهروندی فرهنگی برخوردارند و بیشتر از مردان پذیرای تفاوت‌های فرهنگی در بین دیگر شهروندان هستند و بیشتر از مردان دارای گرایشات فرهنگی‌اند به اصطلاح فرض H0 که دلالت بر عدم معناداری تفاوت دارد، رد می‌شود و فرض تحقیق تأیید می‌گردد. همچنین در متغیر سرمایه فرهنگی و ارتباط آن با جنسیت مشاهده گردید که با توجه به مقدار t که برابر با ۲/۱۸ و با سطح معناداری ۰/۰۰۰ گویای این است که میزان سرمایه فرهنگی بین زنان و مردان تفاوت معنی‌داری

متغیرهای فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی و سرمایه فرهنگی برحسب جنسیت و وضعیت تأهل نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند با توجه به جدول ۱۰ از آنجایی که مقدار معنی‌داری آزمون لون در هر یک از متغیرها از ۰/۰۵ بزرگتر است از نتایج ردیف برابری واریانس استفاده گردید. با توجه به جدول ۱۲ به دلیل معناداری آزمون لون (۱/۱۱) با سطح خطای ۰/۲۱ و همچنین مقدار t با دو نمونه مستقل که برابر ۲/۴۱ و با سطح معناداری ۰/۰۳ گویای آن است که میانگین شهروندی فرهنگی بین زنان و مردان تفاوت معناداری با

وجود دارد. مردان از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار بودند. به عبارتی در این شهر مردان نسبت به زنان در موقعیت‌هایی هستند که مقدار سرمایه فرهنگی نهادی شده (تحصیلات) و سرمایه عینیت یافته در آنها بیشتر است.

ولی بین فرهنگ شهروندی شهروندان و جنسیت آنان تفاوت معنادار مشاهده نگردید. در بررسی وضعیت تاهل شهروندان با متغیر شهروندی فرهنگی نیز تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارتی این دو گروه با سطح اطمینان ۰/۹۵ با

هم مشابه هستند. (به اصطلاح فرض H_0 که دلالت بر عدم معناداری تفاوت دارد، تأیید می‌شود). ولی با متغیر فرهنگ شهروندی با مقدار t برابر با ۱/۲۸ و سطح معناداری ۰/۰۳ تفاوت مشاهده شده است. همچنین بین میزان سرمایه فرهنگی و وضعیت تاهل شهروندان تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. با توجه به جدول ۱۲ مقدار t برابر ۵/۳۴ و در سطح معناداری ۰/۱۰ تفاوت، معنی‌دار گشت.

جدول ۱۰- تفاوت معنی‌داری متغیرهای اصلی تحقیق بر حسب جنس و وضعیت تاهل

متغیرها	آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		آزمون معنی‌داری T		اختلاف میانگین
	F	سطح معنی‌داری	T	سطح معنی‌داری (دو دامنه)	
شهروندی جنس	۱/۱۱	۰/۲۱	۲/۴۱	۰/۰۳	۲/۴۹
فرهنگی وضعیت تاهل	۱/۱۳	۰/۷۱۷	۰/۲۸	۰/۹۷	۰/۰۳۹
فرهنگ جنس	۱/۲۱	۰/۱۱۲	۱/۰۱	۰/۰۷	۰/۱۹
شهروندی وضعیت تاهل	۱/۳۰	۰/۱۴۱	۱/۲۸	۰/۰۳	۲/۳۱
سرمایه جنس	۱/۳۱	۰/۱۵	۲/۱۸	۰/۰۰۰	۳/۱۱
فرهنگی وضعیت تاهل	۰/۰۶	۰/۸۰	۵/۳۴	۰/۰۰۱	۳/۱۲

آزمون رگرسیون

جدول زیر نتایج اصلی رگرسیون را نشان می‌دهند. برای این که شدت میزان تأثیر متغیر مستقل (فرهنگ شهروندی) و متغیر واسطه (سرمایه فرهنگی) بر متغیر وابسته (شهروندی فرهنگی) سنجیده شود از این نتایج استفاده شده است. با توجه به اینکه شاخص‌های فرهنگ شهروندی و سرمایه فرهنگی بر حسب دو مولفه در این تحقیق ساخته شدند در تحلیل رگرسیونی فقط از مولفه‌های متغیرهای اصلی وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و بعد در تحلیل مسیر اثر هر کدام

از متغیرهای اصلی محاسبه شده است. باید خاطر نشان کرد که از رگرسیون به شیوه گام به گام استفاده شده است. (Stip wise) در این شیوه متغیر سرمایه فرهنگی نهادی شده به دلیل اینکه تأثیر مستقیمی بر متغیر وابسته شهروندی فرهنگی نداشته است در ابتدای معادله حذف شده است. در جدول رگرسیونی، ضریب بتا اهمیت نسبی متغیرها را بیان می‌کند و بزرگ بودن بتا اهمیت و نقش آن را در پیشگویی متغیر وابسته مشخص می‌کند.

جدول ۱۱- میزان شهروندی فرهنگی (ضریب همبستگی چندگانه) توسط متغیرهای مستقل

مدل	متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین چندگانه (R ²)	(R ²) تعدیل شده	سطح معنی داری
۱	تمایل به انجام تعهدات	۰/۴۸۶	۰/۲۳۶	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰
۲	تمایل به انجام تعهدات، سرمایه عینیت یافته	۰/۶۳۸	۰/۴۰۸	۰/۴۰۴	۰/۰۰۰
۳	تمایل به انجام تعهدات، سرمایه فرهنگی عینیت یافته، آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۷۲۶	۰/۵۲۸	۰/۵۲۴	۰/۰۰۰

بقیه واریانس آن ناشی از عوامل و متغیرهای دیگری است که در مدل نیامده‌اند. سطح معنی داری در همه متغیرها برابر ۰/۰۰۰ بوده است و این نشان می‌دهد که تأثیر چندگانه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی شهروندی فرهنگی معنی دار است. و همبستگی قوی بین هر ۳ متغیر مستقل و متغیر وابسته شهروندی فرهنگی وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل (تمایل به انجام تعهدات، سرمایه عینیت یافته، آگاهی از حقوق شهروندی) و متغیر وابسته (شهروندی فرهنگی) در جدول فوق آمده است. همان‌گونه که در جدول بالا هویدا است مجموع متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی مدل (۳) با هم‌دیگر ۵۲/۴ درصد از واریانس و یا تغییرات شهروندی فرهنگی را تبیین می‌کنند.

جدول ۱۲- ضرایب مدل‌های رگرسیون چند متغیره برای شهروندی چندگانه بر حسب مولفه‌های متغیرهای اصلی

مدل	متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد شده	آزمون T	سطح معنی داری
۱	عدد ثابت	۷۵/۸۲	-	۲۴/۶۶	۰/۰۰۰
	تمایل به انجام تعهدات	۱/۶۳	۰/۴۸	۱۰/۸۲	۰/۰۰۰
۲	عدد ثابت	۳۹/۹۶	-	۹/۱۴	۰/۰۰۰
	تمایل به انجام تعهدات	۱/۵۸	۰/۴۷	۱۱/۸۹	۰/۰۰۰
	سرمایه عینیت یافته	۱/۶۰	۰/۴۱	۱۰/۴۶	۰/۰۰۰
۳	عدد ثابت	۲۱/۱۲	-	۴/۸۴	۰/۰۰۰
	تمایل به انجام تعهدات	۱/۴۰	۱/۴۱	۱۱/۵۷	۰/۰۰۰
	سرمایه عینیت یافته	۱/۴۶	۰/۳۷	۱۰/۶۴	۰/۰۰۰
	آگاهی از حقوق شهروندی	۱/۲۵	۰/۳۵	۹/۷۸	۰/۰۰۰

است؛ یعنی به ازای هر واحد انحراف استاندارد که به این متغیر افزوده گردد، مقدار ۰/۴۸ انحراف استاندارد شهروندی فرهنگی دچار تغییر می‌شود. در مدل شماره ۲ متغیر سرمایه

در جدول ۱۲ مدل‌های رگرسیونی مختلف برای متغیر شهروندی فرهنگی آمده است. در مدل شماره یک متغیر تمایل به انجام تعهدات آمده است که ضریب بتای آن ۰/۴۸

عینیت یافته وارد شده است. با اضافه شدن این متغیر به مدل، ضریب بتای آن از ۰/۴۸ به ۰/۴۷ کاهش یافته است. ضریب بتای سرمایه عینیت یافته برابر ۰/۴۱ است؛ یعنی با کنترل متغیر تمایل به انجام تعهدات، به ازای یک واحد انحراف استاندارد که به متغیر سرمایه فرهنگی اضافه شود، مقدار ۰/۴۱ انحراف استاندارد به شهروندی فرهنگی افزوده می‌شود. در مدل شماره ۳ متغیر آگاهی از حقوق شهروندی اضافه شده است. ضریب بتای آن برابر ۰/۳۵ بوده است؛ بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد که به متغیر آگاهی افزوده گردد، مقدار ۰/۳۵ واحد انحراف استاندارد به شهروندی فرهنگی آن‌ها اضافه می‌شود. مقدار T اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل را در مدل نشان می‌دهد با توجه به اینکه در این تحقیق مقدار T برای متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی، بزرگتر از ۲/۳۳ و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار هست در نتیجه گفته می‌شود که متغیرهای مورد نظر تأثیر معنی داری در تبیین متغیر وابسته داشته است. با توجه به جدول ۱۱، که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۷۲۶ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته شهروندی فرهنگی همبستگی قوی وجود دارد. همچنین این متغیرها با توجه به مقدار R^2 (۰/۵۲۸) ۵۲/۸ درصد از تغییرات (واریانس) شهروندی فرهنگی را تبیین می‌کنند که به عدد یک نزدیک بوده و نشان از آن دارد که متغیر نقش متوسط و خوبی در تبیین واریانس متغیر وابسته دارند. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۲۴ است که با توجه به اینکه این ضریب با درجات آزادی تعدیل شده است به منظور انعکاس بیشتر میزان نکویی برازش مدل از آن استفاده می‌شود، بنابراین با توجه به این مقدار متغیرهای وارد شده توانسته اند ۵۲/۴ درصد از تغییرات شهروندی فرهنگی را تبیین کنند، بنابراین مابقی این تغییرات (۴۷/۶ درصد) تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می‌باشد. با توجه به مقدار آزمون تحلیل واریانس ۱۴۰/۳۱۱ در سطح

خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۴ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (شهروندی فرهنگی) مدل خوبی بوده و این سه متغیر (تمایل به انجام تعهدات، آگاهی از حقوق شهروندی، سرمایه عینیت یافته) قادرند تغییرات میزان برخورداری از شهروندی فرهنگی را تبیین کنند و نتایج به دست آمده قابل تعمیم به جامعه می‌باشد. جدول ۱۳ نتایج مربوط به آزمون هم خطی را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه ضریب تولرانس بین صفر و یک نوسان دارد و نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تا چه اندازه رابطه خطی با همدیگر دارند، بنابر این هرچه این مقدار بیشتر باشد (نزدیک به عدد یک) میزان هم خطی کمتر است. همانطور که هویداست مقدار تولرانس در تمامی متغیرهای مستقل وارد شده در تحلیل زیاد و نزدیک به یک می‌باشد، بنابراین میزان هم خطی پایین و متغیرهای مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل نیستند. پس خطای استاندارد ضرایب رگرسیون از تورم بالایی برخوردار نیست. همچنین مقدار VIF که از تقسیم عدد یک بر مقدار تولرانس حاصل می‌شود و نسبت معکوسی با تولرانس دارد (هرچه تولرانس بیش تر، عامل تورم واریانس کمتر). به عبارتی هر چه مقدار مقدار تورم واریانس از عدد ۲ بزرگتر باشد، میزان هم خطی بیشتر است. شواهد نشان می‌دهد که حداکثر مقدار تورم واریانس برابر با ۱/۰۴۴ است که فاصله زیادی با عدد ۲ دارد. بنابراین این طریق این شاخص نیز می‌توان به میزان پایین هم خطی بین متغیرهای مستقل تحقیق پی برد. همچنین با توجه به تعداد مشاهدات و تعداد متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی، مقدار آماره دوربین واتسون (استقلال خطاها) برابر با ۲/۲۱ شده است که با توجه به اینکه بین دو مقدار ۱/۵ تا ۲/۵ است بین باقیمانده‌های مدل همبستگی وجود نداشته است و باقیمانده‌ها مستقل هستند.

جدول ۱۳- میزان هم خطی متغیر های مستقل

متغیر های مستقل	تولرانس	عامل تورم واریانس (VIF)
تمایل به انجام تعهدات	۰/۹۷۳	۱/۰۲۸
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۹۵۸	۱/۰۴۴
سرمایه عینیت یافته	۰/۹۸۲	۱/۰۱۸
سرمایه نهادی شده	۰/۹۸۹	۱/۰۱۲

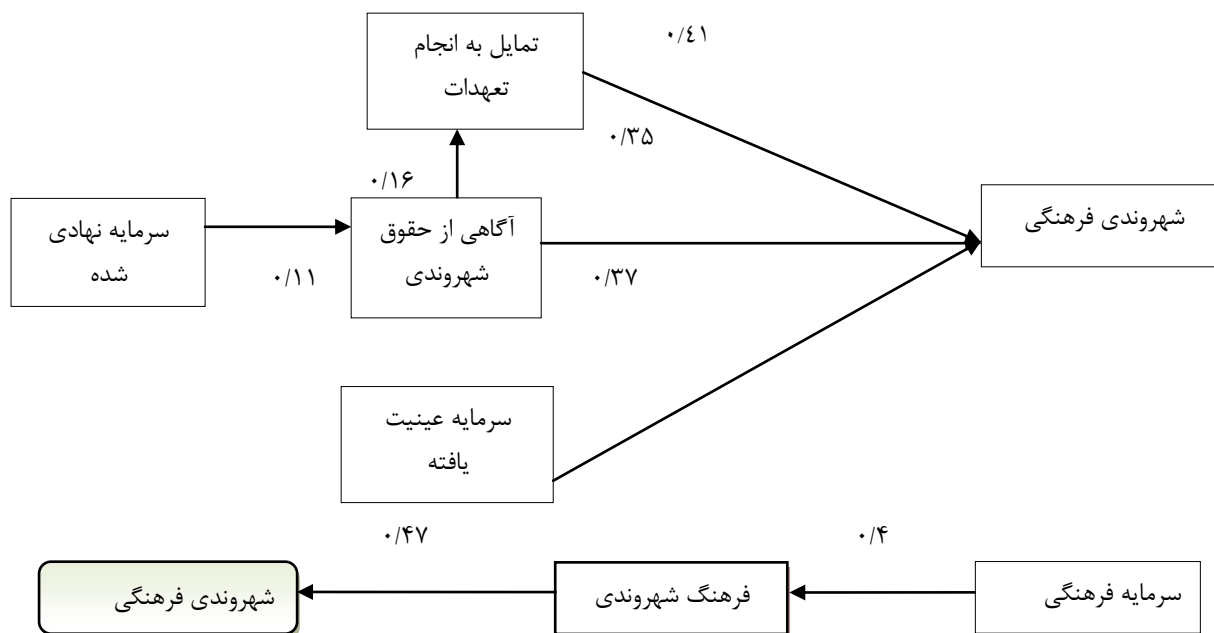
تحلیل مسیر

با توجه به آزمون رگرسیون چند متغیره (Enter) مشخص شده است که متغیر فرهنگ شهروندی تأثیر مستقیم بر شهروندی فرهنگی داشته ولی سرمایه فرهنگی تأثیر مستقیمی بر شهروندی فرهنگی ندارد، با توجه به اینکه شاخص های فرهنگ شهروندی و سرمایه فرهنگی بر حسب دو مولفه در این تحقیق ساخته شدند در تحلیل رگرسیونی به روش همزمان برای ترسیم نمودار تحلیل مسیر تأثیر این مولفه ها به طور جداگانه علاوه بر خود شاخص ها احتساب شده است. نتایج آزمون تحلیل مسیر مشخص گردیده که فرهنگ شهروندی به طور مستقیم با ۰/۳۴ واحد بر شهروندی فرهنگی تأثیر مستقیم می‌گذارد، همچنین مولفه های ، تمایل به انجام تعهدات با ضریب بتای (۰/۶۱ و مولفه ی آگاهی از حقوق شهروندی با مقدار بتای ۰/۳۵ به طور مستقیم بر متغیر وابسته شهروندی فرهنگی تأثیر داشته اند. متغیر سرمایه فرهنگی نیز تنها به طور غیرمستقیم و با واسطه متغیر میانی (فرهنگ شهروندی) با مقدار ۰/۴ بر شهروندی فرهنگی تأثیرگذار است به طوری که با هر واحد تغییر در سرمایه فرهنگی میزان ۴۰ واحد در فرهنگ شهروندی تغییر ایجاد می‌شود. دو مولفه سرمایه فرهنگی یعنی، سرمایه عینیت یافته (با ضریب بتای ۰/۳۷ تأثیر مستقیم و بی واسطه بر شهروندی فرهنگی داشته است ولی مولفه ی دیگر ، سرمایه نهادی شده با ضریب بتای ۰/۰۳ تأثیر غیر مستقیم و منفی به واسطه متغیر آگاهی از حقوق شهروندی با مقدار بتای ۰/۱۱ بر شهروندی فرهنگی تأثیر داشته است. که در رگرسیون به شیوه گام به گام سرمایه فرهنگی و مولفه های آن به دلیل عدم معناداری از مدل خارج

می شوند. همچنین با توجه به مقدار R2 که در مدل رگرسیونی همزمان برابر با ۰/۵۴ است، باید بیان کرد که میزان کمیت خطا (e) برابر با ۰/۴۶ که نشان دهنده میزانی از واریانس متغیر است که متغیر های متقدم آن را تبیین نکرده‌اند. که با مجذور کردن کمیت خطا واریانس تبیین نشده هر یک از متغیر ها بدست می آید. بنابر این تأثیر متغیر های خارج از مدل (e) بر شهروندی فرهنگی برابر با ۰/۴۶ است. با توجه به چارچوب نظری تحقیق ترنر، شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی دانسته که به افراد در یک جامعه شهری، هویت رسمی و قانونی داده است و این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی ریشه تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه شهری چون نظام قضایی، پارلمانی و دولت رفاه شده است. ترنر بر مبنای دیدگاه جامعه‌شناختی خود موضوع شهروندی فرهنگی را به نهادهای اجتماعی جامعه معطوف کرده که این نهادهای اجتماعی هر کدام بیان کننده نوع خاصی از حقوق شهروندی و الزاماتی است که شهروندان باید نسبت به انجام آن حقوق در یک نظام سیاسی انجام دهند فرهنگ شهروندی را تشریح می‌کند. ترنر به نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد و معتقد است آگاهی از حقوق در میان اقوام مختلف متفاوت است. در این تحقیق نیز این نتیجه تأیید می‌شود که با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، افراد از میزان آگاهی از حقوق خود و همچنین تعهدات شان نسبت به جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند برخوردار هستند خود بر میزان شهروندی فرهنگی آنان موثر است.

جدول ۱۴- اثر کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (شهروندی فرهنگی)

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
سرمایه عینیت یافته	۰/۳۷	۰	۰/۳۷
سرمایه نهادی شده	۰	۰/۰۳	۰/۰۳
تمایل به انجام تعهدات	۰/۴۱	۰	۰/۴۱
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۳۵	۰/۰۶	۰/۴۱



شکل ۲- نمودار تحلیل مسیر

بحث و نتیجه

در این مقاله به بررسی شهروندی فرهنگی و رابطه آن با عوامل تاثیرگذار بر آن در شهر تنکابن مورد مطالعه قرار گرفت و سعی شد ماهیت مفهومی و عوامل تاثیرگذار بر آن روشن شود. استدلال اصلی مقاله این است که در خصوص شهروندی فرهنگی دو دسته از عوامل نقش اساسی را ایفاء کرده‌اند. دسته اول سرمایه فرهنگی و دسته دوم، فرهنگ شهروندی است. طبق داده‌هایی که بدست آمده می‌توان گفت بین سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی با شدت رابطه ضعیفی، وجود یک همبستگی مثبت بین دو متغیر تایید شده؛ همچنین بین فرهنگ شهروندی و شهروندی فرهنگی نیز با شدت رابطه متوسط همبستگی معناداری برقرار است. با نگاهی به تحقیقات حاضر می‌توان فهمید مفهوم

شهروندی از پیشینه تحقیقاتی بسیاری چه در داخل و چه در بیرون از ایران برخوردار است. بیشتر این پژوهش‌ها، شهروندی را از سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی بررسی کرده‌اند و یا در برخی موارد با دیدگاه فمینیستی به مطالعه وضعیت شهروندی زنان پرداخته‌اند. در برخی موارد با توجه به گسترش بعد فرهنگی شهروندی و لزوم توجه به این بعد باعث شده تا در مطالعه شهروندی به سنجش بعد فرهنگی آن نیز بپردازند. در ایران کمتر بعد فرهنگی شهروندی و نقش اقلیت‌های فرهنگی جامعه مورد مطالعه قرار گرفته است و مفهوم شهروندی فرهنگی به صورت کاملاً مجزا سنجیده نشده است و بیشتر به فرهنگ شهروندی توجه شده تا خود مفهوم شهروندی فرهنگی. در حقیقت تفاوت این تحقیق در آن است که علاوه بر مفهوم عمومی شهروندی، بعد فرهنگی آن را در

نیز از ترکیب دو مولفه میزان آگاهی از حقوق شهروندی (۴۰/۳) تا حدودی و در سطح متوسط ارزیابی شده است. مطابق با نتایج تحقیق شیانی و داوودوند (۱۳۹۰) با عنوان بررسی تطبیقی شهروندی در دو دانشگاه آزاد اسلامی و علامه طباطبایی که مبنای تحقیق آن است که «اصولاً حقوقی که به یک شهروند تعلق می‌گیرد، در رابطه متقابل با جامعه معنادار می‌شود. از این رو شهروندان برای عمل به وظایف خود و مشارکت در مسائل عمومی و مصالح جامعه ابتدا باید از حقوق شهروندی برخوردار شوند که مقدمه آن آگاهی است. بنابراین پیش فرض اصلی آن است که آگاهی و شناخت از حقوق شهروندی مبنای عمل و تحقق شهروندی خواهد بود. همانطور که نتایج تحقیق حاضر نشان داد این متغیر به همراه دو مولفه ی خود تأثی زیاد و مستقیمی بر شهروندی فرهنگی داشته است. آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی نقش مهمی در ارتقای آگاهی دیگر افراد و ارتقای سطح فرهنگی جامعه دارد. پژوهش حاضر در انطباق با نظریه ترنر نشان داد، شرایط فرهنگی و تعلیم و تربیت بر میزان آگاهی شهروندان موثر است. و این نتایج، یافته‌های تحقیق شیانی را تأیید می‌کند. و تمایل به انجام تعهدات (۴۲/۳۴ درصد) در سطح متوسط و رو به بالا ارزیابی شده‌اند. در ارتباط با تحقیق حاضر، فاطمی نیا (۱۳۸۶) در مقاله خود، فرهنگ شهروندی، محمل و ماحصل حاکمیت خوب و شهروند فعال اعلام می‌دارد که هدف از مفهوم شهروندی «همان شهروند فعال است، به عبارت دیگر همان شهروند خوب و مسئول و معتقد است شکل‌گیری شهروند فعال نیازمند تحولاتی در سه عرصه خصوصی، عمومی و دولت است و همچنین متناسب با آن در جامعه، باید دولتی با حاکمیتی خوب، و عرصه‌ای عمومی با سازمان‌هایی کارا و اثربخش وجود داشته باشد. به عبارت دیگر از نشانه‌های ایجاد فرهنگ شهروندی وجود حاکمیت خوب، سازمان‌های کارا و شهروند فعال در عرصه‌های اجتماع است. در نهایت این مقاله به این نتیجه می‌رسد که «حقوق و تعهدات شهروندی دو روی یک سکه‌اند. این حقوق و تعهدات شامل تمام عناصر و عرصه‌های مختلف جامعه می‌شود و همچنین شهروندی یک حق است و

نظر گرفته و به دنبال بررسی تاثیر عواملی چون سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بر متغیر وابسته که همان شهروندی فرهنگی است معطوف گردیده است؛ همچنین به دنبال مطالعه توصیفی از وضعیت تنوعات فرهنگی و گرایشات فرهنگی شهروندان، سنجش میزان آگاهی‌شان از حقوق شهروندی و میزان تمایل‌شان برای اجرای تعهدات مورد توجه قرار داده شود مطابق با نتایج برگرفته از تحقیق مشاهده گردید که میزان برخورداری از متغیر شهروندی فرهنگی شهروندان برابر با ۴۷/۲ درصد در سطح بالایی ارزیابی شده است، که میزان آن در دو مولفه گرایشات فرهنگی (۴۱/۱۵ درصد) در سطح متوسط و رو به بالا و پذیرش فرهنگی (۳۲/۱۹ درصد) در سطح متوسط ارزیابی شده است. همچنین یافته‌های تحقیق گویای این است که شهروندان مورد بررسی تا حدودی و در سطح بالا (۴۲/۲۰ درصد) از سرمایه فرهنگی برخوردارند. این سرمایه از ترکیب دو گونه سرمایه عینیت یافته (۴۰/۱۳) و سرمایه نهادی شده (۴۹/۹ درصد) در سطح کم بدست آمده است که نشان از این دارد که شهروندان میزان کمی از سرمایه نهادی شده برخوردارند ولی سرمایه عینیت یافته آنها در سطح متوسط و رو به بالا ارزیابی شده است. مطابق با تحقیق. گود (2010) که پیشنهاد می‌کند که شهروندی فرهنگی، سوالات در دسترس، بینش و شناختن فرهنگ و همچنین تنش‌های بین درون و برون فرهنگی جامعه باید به صورت آنلاین فراخوانی شود و اعلام می‌دارد باید اینترنت را به عنوان یک آرشیو فرهنگی باز در خدمت بگیرند که شهروندان بتوانند به طور آزاد از آنها استفاده کنند، به عبارت دیگر ادعاهای فرهنگی برای تصدیق فرهنگی، حق حاکمیت و حفاظت را آزادانه به خدمت بگیرند. به این ترتیب با بالا رفتن سرمایه فرهنگی (عینیت یافته) مطابق با نتایج تحقیق حاضر میزان فرهنگ شهروندی نیز افزایش می‌یابد که خود بر برخورداری از شهروندی فرهنگی موثر است.

در خصوص برخورداری از فرهنگ شهروندی شهروندان در تنکابن باید گفت میزان فرهنگ شهروندی آنها در سطح متوسط و رو به بالا (۴۸/۱) ارزیابی شده است. که این متغیر

شهروندان فعال عنصری کلیدی برای توسعه فرهنگ شهروندی محسوب می‌شود. در که با یافته‌های تحقیق حاضر مطابقت دارد. در کل یافته‌های درباره‌ی میزان فرهنگ شهروندی با نتایج حسنی (۱۳۹۱) با عنوان سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان نیز، مطابقت دارد، او نیز میزان برخورداری از فرهنگ شهروندی دانشجویان را در سطح متوسط و بالایی ارزیابی کرده است. ولی برخلاف تحقیق حاضر حسنی در حیطه ارزشی و هنجاری به بررسی فرهنگ شهروندی پرداخته است ولی تحقیق حاضر با مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی سعی در بررسی فرهنگ شهروندی کرده است. ازاتی (۱۳۹۰) نیز در بررسی و تحلیل فرهنگ شهروندی در بین شروندان یزدی میزان برخورداری از این متغیر را در حد متوسط ارزیابی کرده است. او میزان پایداری شهروندان را بر اساس ابعاد سه‌گانه شهروندی بررسی کرده است. از سوی دیگر سعی شده ترکیبی از عقاید نظریه‌پردازان در ارتباط با شهروندی در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گیرد، تا بتوان مفهوم شهروندی فرهنگی را با توجه به ابعاد متفاوت و با تاکید بر بُعد فرهنگی مطالعه کرد. در خصوص رابطه متغیرهای زمینه‌ای با متغیرهای اصلی تحقیق باید گفت که متغیر سن و درآمد با سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ با شدت رابطه مختلف همبستگی معناداری را با شهروندی فرهنگی داشته‌اند، ولی سن با فرهنگ شهروندی رابطه‌ای نداشته است و درآمد با سطح معناداری ۰/۰۳ با فرهنگ شهروندی همبستگی داشته است. همچنین بین فرهنگ شهروندی و جنسیت و وضعیت تأهل تفاوت معنیداری مشاهده نگردید. ولی بین سرمایه فرهنگی با جنسیت و وضعیت تأهل تفاوت معنادار است. در بررسی رابطه بین شهروندی فرهنگی با جنس و وضعیت تأهل باید اذعان نمود بین برخورداری از شهروندی فرهنگی و جنس تفاوت مشهود است ولی با وضعیت تأهل تفاوتی مشاهده نگردید. مطابق با تحقیق شاه طالبی (۱۳۸۹) که در پژوهشش در ابعاد جمعیت شناختی نظرات پاسخگویان تفاوتی مشاهده نگردیده است.

طبق داده‌های بدست‌آمده می‌توان بیان کرد پدیده‌ای مانند

شهروندی فرهنگی تحت تاثیر عوامل فرهنگی مانند سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی قرار دارد. اگرچه این عوامل بر همه شهروندان تاثیر یکسانی نخواهد داشت و عوامل دیگری نیز می‌تواند در وضعیت شهروندی فرهنگی افراد یک جامعه تاثیرگذار باشد، اما نبود و کاهش میزان این عوامل نیز می‌تواند با کاهش میزان شهروندی فرهنگی در جامعه همراه باشد. همانگونه که از داده‌های بدست‌آمده از پرسشنامه و نظریه‌های استفاده شده برمی‌آید، معلوم می‌شود طبق نظر بوردیو کم بودن سطح عاملی مانند سرمایه فرهنگی سبب می‌شود عملکرد شهروندان در جامعه ضعیف‌تر گردد در نتیجه میزان فرهنگ شهروندی نیز در بین آن‌ها کاهش می‌یابد بدین معنا، افرادی که سطح تحصیلات خود و والدین‌شان کمتر است و از میزان مصرف کالاهای فرهنگی کمتری برخوردارند میزان آگاهی‌شان از حقوق شهروندی و میزان تمایل‌شان برای اجرای تعهدات شهروندی‌شان نیز کمتر است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بیشتر شهروندان مورد بررسی به طور میانگین از سرمایه فرهنگی متوسط رو به بالا برخوردارند بگونه‌ای که میزان استفاده‌شان از کالاهای فرهنگی، در سطح بالایی است و سطح تحصیلات والدین بیشتر پاسخگویان دیپلم و تحصیلات بیشتر پاسخگویان در سطح فوق‌دیپلم و لیسانس است. به همین ترتیب طبق نظر مارشال و ترنر که فرهنگ شهروندی را به چهار نوع حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرده‌اند و ژانوسکی که بر حقوق مسئولیت‌های شهروندی تأکید دارد و آن را اجراکننده حقوق می‌داند می‌توان دریافت، کاهش در میزان فرهنگ شهروندی افراد بر وضعیت شهروندی فرهنگی تاثیرگذار است. یافته‌ها نشان می‌دهد پاسخگویان به طور میانگین از فرهنگ شهروندی متوسط رو به بالایی برخوردارند که این حاکی از آن است شهروندان مورد مطالعه تاحدودی دارای احساس تعهد و احترام نسبت به یکدیگر هستند و همچنین حقوق و تعهدات شهروندی را تشخیص می‌دهند ولی با این تفاوت که بیش از یک سوم شهروندان آگاهی کمی از حقوق‌شان دارند و تنها حدود ۳۶٪ تاحدودی از حقوق‌شان باخبرند و میانگین آگاهی پاسخگویان متوسط رو به پایین است؛ ولی بیشتر این افراد مورد مطالعه تمایل

دارند. توجه به این موضوع برای حوزه مدیریت شهری از این رو است که چنین مدیریتی به نوعی متولی احیای فرهنگ شهروندی در ایران خواهد بود. چنین مدیریتی مسئول است تا شهروندان را به سمت مشارکت پایدار سوق دهد. ضرورت این تحقیق ارتقاء وضعیت شهروندی فرهنگی در جامعه مورد مطالعه است، برنامه‌ریزی از طریق فعالیت‌های مدیریت شهر، با بهره‌مندی از مشارکت دیگر نهادهای اجتماعی، رسانه‌های جمعی، افزایش سرمایه‌های فرهنگی آموزش‌های شهروندی میسر خواهد بود؛ همچنین احساس تعلق، رفتارهای مسئولانه از نظر اجتماعی و اخلاقی، درک و آگاهی از هویت و فرهنگ دیگری و آموزش‌شان برای مشارکت و داوطلب‌شدن در فعالیت‌های عام‌المنفعه و دسته جمعی را در شهروندان می‌توان ایجاد کرد.

راهکارها و پیشنهادها

۱- تدوین و برنامه‌ریزی جامع آگاه‌سازی در زمینه حقوق، وظایف شهروندی مانند برگذار کردن کلاس‌های توجیهی برای بالا بردن سطح آگاهی جامعه به ویژه جوانان از قوانین موجود در قانون اساسی و حقوق فرهنگی شهروندان.

۲- شناسایی محدودیت‌ها، منابع، و اولویت بندی نیازها در گروه‌های مختلف و اقلیت‌ها در جامعه.

۳- اولویت قرار دادن آگاهی از پدیده شهروندی در نظام‌های آموزشی و ضرورت آشنایی و آماده سازی برخی افراد مانند معلمان مدارس با مبانی حقوق و وظایف شهروندی به ویژه جوامعی است که در ماهیت خود از تنوع فرهنگی قابل توجهی برخوردار هستند.

۴- با توجه به اینکه جامعه شهری تنکابن از تنوع قومی و فرهنگی برخوردار است، و با نظر به اینکه شهروندی یک سازه اجتماعی و فرهنگی است، باید بستر اجتماعی و فرهنگی این پدیده را با رویکرد های ارزشی، بومی و محلی آن خرده فرهنگ متناسب کرد.

۵- بنیان های فرهنگ شهروندی اعم از "مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری، مسئولیت پذیری مدنی و مشارکت عمومی" را همچون نظام های لیبرالیسم در شهر ها

زیادی برای انجام تعهدات نشان می‌دهند در واقع پاسخگویان مورد نظر بیشتر به انجام وظایف و تکالیف‌شان تمایل دارند و لی آگاهی‌شان نسبت به حقوقی که دارند کم است.

با توجه به نظر یانگ و کیملیکا در شهروندی فرهنگی باید اقلیت‌های قومی برای حفظ فرهنگ‌شان دارای حقوق خاص بوده و از همه مزایای شهروندی برخوردار باشند. طبق داده‌های بدست آمده هرچه میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و تمایل‌شان برای اجرای تعهدات‌شان کمتر باشد، کمتر تنوعات فرهنگی مانند تنوع قومی، زبانی و مذهبی و... را می‌پذیرند و ساختار ذهنی نامناسب‌تر و گرایشات فرهنگی پایین‌تری دارند. یافته‌های مربوط به متغیر شهروندی فرهنگی که به دو بخش پذیرش تنوعات فرهنگی و گرایشات فرهنگی تقسیم شده نشان می‌دهد در مجموع بیشتر پاسخگویان از شهروندی فرهنگی بالایی برخوردارند ولی در مطالعه پذیرش تفاوت‌های فرهنگی بیشتر افراد به طور میانگین متوسط رو به پایینی پذیرای تفاوت‌های فرهنگی در یک مجموعه شهری هستند ولی بیشترشان از گرایشات فرهنگی خوبی برخوردارند به نظر می‌رسد پاسخگویان به طور کلی از لحاظ ساختار ذهنی پذیرای حضور شهروندانی که با آن‌ها در زبان، مذهب و فرهنگ‌های قومی متفاوت‌اند، باشند. با این وصف می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل در ارتباط با یکدیگر بر شهروندی فرهنگی تاثیرگذار است. از این رو برای افزایش سطح شهروندی فرهنگی باید همه عوامل را با یکدیگر در نظر گرفت. برای مثال با فراهم کردن شرایط مناسب برای افزایش سطح تحصیلات شهروندان و استفاده شهروندان از کالاهای فرهنگی، می‌شود سطح فرهنگ شهروندی آنان را افزایش داد و با گسترش رسانه‌ها و گارگاه‌های آموزشی آگاهی‌شان از حقوق شهروندی و سطح تمایل‌شان برای اجرای تعهدات شهروندی را بالا برد.

ضرورت اهتمام به این موضوع در این پژوهش آن است که، نتایجش می‌تواند کاربرد هایی برای حوزه هایی همچون مدیریت شهری، اهمیت بسیاری داشته باشد، زیرا متولیان شهری وظیفه آموزش، تربیت افکار و اذهان شهروندان را برای برخورداری از کیفیت بالای زندگی در هر عرصه‌ای برعهده

مورد حمایت از سوی مدیریت شهری قرار داد.

۶- علاوه بر تأمین و رسیدگی به نیازهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی شهروندان، توجه عمیق به "نیازهای فرهنگی" آنها نیز داشته باشند این نیازها همان خلاقیت، خودشکوفایی، نیازهای فراغت و لذت و... نمونه‌هایی از این نیازهاست.

۷- نیاز به بسط مردم‌سالاری فرهنگی برای گسترش فرهنگ شهروندی و پرهیز از مشکلات شهروندی چون (فردی شدن شهروندی- بین‌الذهانی شدن چارچوب ارتباطات فراملی، ملی، و محلی شدن شهروندان- باز تولید و تغییر شهروندی در بسترهای مناسبات خرد سیاسی نه در چارچوب سیاسی کلان- رادیکال شدن شهروندی در بستر منطقه‌ای و جهانی شدن و...) نمونه‌ای از راهکارهای فرهنگی برای تقویت و گسترش فرهنگ شهروندی در جامعه تکابن می‌باشد.

محدودیت‌ها و کمبودهای پژوهش

• به رغم تلاش‌های پژوهشگر جهت جلب رضایت آزمودنی‌ها و ایجاد انگیزه در آنان مبنی بر این‌که نتایج این پژوهش از اهمیت بالایی برخوردار است، باز هم به نظر می‌رسد تعدادی از آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه با بی‌دقتی پاسخ داده‌اند و پژوهشگر مجبور شد در خصوص پرسش‌ها و گویه‌های پاسخ‌داده نشده، مبتنی بر مقیاس مورد نظر از برخی روش‌های آماری مانند میانگین و... استفاده نماید.

• با توجه به اینکه شرایط جبری جامعه و ساختارهای آن به گونه‌ای است که برای بسیاری از افراد مشکلات و دلسردی‌های بسیاری ایجاد نموده، بسیاری برای واکنش و گریز از این نوع ساختار و شرایط در انتخاب گزینه‌های مربوط به تست میزان آگاهی از حقوق شهروندی به صورت احساسی عمل نموده‌اند و به نظر می‌رسد یا می‌بایست در تست‌ها تغییراتی صورت گیرد و یا این‌که در دیدگاه‌های مردم به عنوان آزمودنی تعدیل‌هایی صورت گیرد.

• در برخی موارد به دلیل عدم آگاهی شهروندان از موضوع مورد بررسی پاسخ‌های داده شده به پرسش‌ها قابل

اعتماد و بررسی نبوده است و حذف گردیده.

• کمبود منابع لازم در زمینه موضوع شهروندی فرهنگی.

منابع

استیونسون، ن. (۱۳۹۲). شهروندی فرهنگی، مسائل جهان شهری، ترجمه: افشین خاکباز، تهران: نشر تیسرا.

اسلامی، ا. نیازی، م. (۱۳۸۹). مبانی حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه، تهران: نشر سخنوران.

اذانی، م؛ حاتمی، م؛ حاتمی، ح. (۱۳۹۰). «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد»، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، س ۱، ش ۱، ص ۱۰۲-۸۱.

باقریان، ا. (۱۳۹۰). رسانه‌ها، زندگی شهری و حقوق شهروندان، نخستین سمینار رسانه و آموزش شهروندی، برگزارکننده: اداره کل آموزش‌های شهروندی شهر تهران، ص ۳۷-۶۳.

تقی‌لو، ف. (۱۳۸۶). «تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران معاصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۰، ش ۱ (۳۵)، ص ۳۲-۷.

توسلی، غ. و نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۲). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، ش ۵، ص ۲، ص ۳۲-۶۲.

حسینی، ح؛ موسوی، م. و حبیبی قراپته، س. (۱۳۹۱). «سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها، مطالعه موردی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه»، فصلنامه علمی و پژوهشی فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۳، ص ۲۲۳-۲۴۲.

حیدری، ی. (۱۳۸۸). تبیین وضعیت شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور تهران.

شارع‌پور، م. و خوشفر، غ. (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان» مطالعه موردی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، ص ۱۴۷-۱۳۳.

- شاه‌طالبی، ب.؛ قلی‌زاده، آ. و شریفی، س. (۱۳۸۹). «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد گرمسار، س ۴، ش ۲، ص ۷۳-۹۶.
- شربتیان، م.ح. (۱۳۸۷). «تاملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن». مجله علمی ترویجی مطالعات فرهنگ اجتماعی خراسان، ش ۸ و ۹، ص ۱۱۹-۱۵۴.
- شیانی، م. و داوودوند، ط. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی شهروندی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۲، ش ۳، ص ۳۷-۶۲.
- عزیزی، ن.؛ بلندهمتان، ک. و سلطانی، م. (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت آموزش چندفرهنگی در مراکز تربیت معلم شهر سندرگ از منظر دانشجویان»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، س ۳، ش ۲، ص ۵۶-۷۸.
- فاطمی‌نیا، س. (۱۳۸۶). «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال»، مجله رفاه اجتماعی، دوره ۷، ش ۲۶، ص ۳۵-۵۸.
- فالكس، ک. (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- فتحی، س. و ثابتی، م. (۱۳۹۱). «توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی»، مطالعات شهری، س ۲، ش ۲، ص ۱۹۶-۱۶۳.
- فتحی اجارگاه، ک.؛ عارفی، م. و اسفندیاری، ت. (۱۳۹۱). «شناسایی و الویت‌یابی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان برای لحاظ کردن در برنامه‌های درسی مدارس»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۹۳، ص ۶۹-۱۰۱.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۸). تقویت اخلاق شهروندی، راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قلناش، ع. (۱۳۹۱). «مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی»، پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲، ص ۶۴-۴۷.
- کریمی، ح. (۱۳۹۰). «سمینار رسانه و آموزش شهروندی»، نخستین سمینار رسانه و آموزش شهروندی، اداره کل آموزش شهروندی شهرداری تهران، ص ۳۰۹-۳۲۲.
- کاستلز، ا. و دیوید سون، ا. (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی، ترجمه: تقی‌لو، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کفّاشی، م. (۱۳۸۷). «تأثیر امکانات شهری بر فرهنگ شهروندی (مطالعه موردی منطقه ۸ تهران) علوم اجتماعی»، جامعه‌شناسی، ش ۱۳، ص ۸۷-۱۲۰.
- کاووسی، ا. و خراسانی، ز. (۱۳۸۹). «اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات»، مجله مدیریت فرهنگی، ش ۲، ص ۸۵-۱۰۵.
- گنجی، م.؛ نیازی، م. و عسگری کویری، ا. (۱۳۹۳). «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، س ۴، ش ۱۲، ص ۷۵-۱۰۰.
- محسنی، ر. (۱۳۸۹). «ابعاد تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۱۷-۱۴۴.
- ملاپور، ر. (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی شهروندی در میان معلم‌ها، مطالعه موردی معلم‌های منطقه ۱۱ شهر تهران (سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور تهران.
- منافی شرف آباد، ک.؛ اکبرزاده میرزاتق، ح. و زمانی، ا. (۱۳۹۰). «بررسی چالش‌های آموزش شهروندی در کشور و ارائه راهکارهایی برای آن»، سمینار رسانه و آموزش

- American Branch: New York, Vol. 2, chap 29.
- Miller, T. (2011) "Cultural Citizenship", *Matrises, university of sao Paulo- Brasil*, 4(2): 57- 74.
- Muller. F. & Hermes, G. (2010) "The Performance of Cultural Citizenship: Audiences and The Politics if Multicultural Television Drama". *Critical Studies In Media Communication*. 27: 193 -208.
- Tobias, R. (1997) *The boundaries of education for active citizenship: institutional and community context*, Secuter Aotearo, Newzealand.
- Parsons, T. (1965) "*Fall citizenship for the Negro American, sociological problem, daetdalus*", Published by: The MIT Press on behalf of American Academy of Arts & Sciences. 94(4): 1009-1054.
- Stevenson. N. (2003) "Cultural Citizenship in the 'Cultural' Society: A Cosmopolitan Approac", *Publication, citizen ship studies J*, 7(3): 331- 348.
- Turner, B.S. (2001) "The Erosion of Citizenship", *The British Journal of Sociology*, 52(2): 189-210.
- Turner, B.S. (2006) "Global Sociology and the Nature of Rights", *In Societies a. without Borders*, 1(1): 1-52.
- Vanoenen, G. (2010) "Three Cultural Turns: How Multiculturalism, Interactivity and Interpassivity Affect Citizenship". *Citizenship Studies*, 14(3): 293 -306.
- شهروندی اصل مقالات، برگزار کننده: اداره کل آموزش‌های شهروندی شهر تهران، ص ۳۳۸-۳۲۳.
- موشار، د. و ایودورماگن، ژ. (۱۳۸۹). *مبانی جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر آگه.
- نوروزی، ف. و گل‌پرور، م. (۱۳۹۰). «بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه راهبرد*، س ۲۰، ش ۵۹، ص ۱۶۷-۱۹۰.
- هاشمیان فر، ع. و گنجی، م. (۱۳۸۸). «تحلیل بر شهروند فرهنگی در شهر اصفهان»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۳۳، ص ۲۵ - ۴۴.
- هزارجریبی، ج. و امانیان، ا. (۱۳۹۰). «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، د ۳، ش ۹، ص ۱-۱۸.
- Abowitz, K. & Harnish, J. (2006) "Contemporary Discourses of Citizenship". *Review of Educational Research*. 76 (4): 653-690.
- Cogan, J.J, David, G. and Mei-Hui, L. (1999) *Citizen ship: The Democratic Imagination in a Global contex*. National Council for the social studis.
- Docherty, I. Goodlad, R & padison R. (2001) "Civic Culture Community and Citizen Participation In Contrasting Neighborhoods", *Urban Studies*, 38(12): 2225-2250.
- Delanty, G. (2002) "Two Conceptions of Cultural Citizenship: A Review of Recent Literature on Culture and Citizenship", *The Global Review of Ethnopolities*, University of Liverpool/ Uk, 1(3):60- 66.
- Giddens, A. (1993) *class and power*, I Cassel(Ed) Basingstoke Macmillan.
- Goode, I. (2010) "Cultural Citizenship Online: The Internet and Digital Culture", *Citizenship Studies*, 14 (5): 527- 542.
- Hamatt, D. & Staeheli, I. (2011) "Respect and Responsibility: Teaching Citizenship In South Africa High Schools", *International Journal of Educational Development*, 31: 269- 276.
- Janoski, T. (1998) *Citizenship and civil society*, Cambridge University, press. Cup.
- Marshal, T.H. (1994) "*Citizenship and social class*" chap in B.S. Turner. and P. Hamilton, *Citizenship*, Routledge, Published by the syndics of the cambridge university phess, Lonclon Office: Bentley House, N.W. I.